

مقدمه:

خلاصه راهبرد ما چنین است که ابتداء تقسمات ذکر شده برای تناسخ در کتب فلسفی را مرور میکنیم و سپس مبانی تناسخ ملکوتی را بر اساس مبانی ملاصدرا تشریح میکنیم و سپس به سراغ مقام اثبات و تحقق یا عدم تحقق هر یک از اقسام تناسخ میپردازیم و بررسی میکنیم که هر یک از ادله نقلی با کدام یک از اقسام تناسخ تناسب دارد.

اما وارد بحث از امکان یا عدم امکان هر یک از اقسام نمیشویم، زیرا که موضوع بررسی استحاله تناسخ در هر یک از اقسام آن، از دایره موضوع مقاله خارج است و به دیگر دوستان مربوط است.

معانی و اقسام تناسخ

معنای لغوی تناسخ و تاریخچه اجمالی آن

اهمیت معنای لغوی تناسخ از این جهت است که در این تحقیق به دنبال بیان موارد محقق از تناسخ به حسب ظاهر ادله شرعی هستیم و لذا اگر در روایتی لفظ تناسخ به کار رفته است، باید بتوانیم به حسب معنای لغوی شایع در آن زمان توضیح دهیم. همچنین از آنجا که مفاد تناسخ در برخی از ادله شرعی با واژگان دیگری مثل مسخ آمده است، در ضمن هر مورد در حاشیه معنای لغوی واژه مطرح شده را اجمالا بررسی می‌کنیم.

اصل نسخ به صورت کلی به معنای زائل شدن از چیزی و جایگزین شدن در چیز دیگری است و تناسخ ظاهرا به معنای مطاوعه باب است و به معنای قبول نسخ می‌باشد. لذا در اصل لغت ظاهرا تناسخ به معنای قبول زوال و جایگزینی در چیزی دیگر است^۱ ولی در عرف زمان ائمه همانطور که در روایات خواهید دید کاملا به معنای اصطلاحی متعارف آن به کار رفته است که اتفاقا در کتب لغت هم ذکر شده است که در واقع یک مصداق خاص از معنای لغوی است و آن زوال روح از بدنی و قبول آن توسط بدنی دیگر است.^۲

سر آغاز فکر تناسخ به زمانی بسیار قبل از ائمه معصومین بر میگردد و طبق تحقیقات تاریخی برخی از مورخین، اولین جایی که با تفکر تناسخ مواجه میشویم در میان اوپانیساده‌ها (از کهنترین ریشه‌های هندوها) در حدود هفت قرن قبل از میلاد مسیح است.^۳ و بعدها در یونان باستان نیز به عده‌ای مثل فیثاغورس نیز نسبت داده شده است. به خود فیثاغورث و نیز امپدکلس نظریه تناسخ نسبت داده شده است و کاپلستون معتقد است که این نظریه با برخی نظریات دیگر امپدکلس در تعارض است^۴ و نیز ملاصدرا گمان می‌کرده است که نسبت دادن تناسخ به فیثاغورث و امثال او ناشی از بد فهمی معارف اوست.^۵ لذا با توجه به این مقدمه اینکه این اصطلاح در میان مسلمانان در زمان ائمه علیهم السلام رایج شده باشد خصوصا که ابتدای نهضت ترجمه از اوائل قرن دوم است، مطلب بعیدی به نظر نمی‌رسد.

معانی اصطلاحی تناسخ در کتب فلسفی

قبل از اینکه متعرض تعاریف فلسفی این قسمت شویم، لازم به ذکر است که معنای مصطلح تناسخ در فلسفه تا قبل ملاصدرا، چیزی جز مصداق یا مصادیقی از آن معنای عرفی لغوی نیست. البته باید توجه داشت که تعاریف مختلفی برای تناسخ ذکر کرده‌اند که اگرچه همگی در اصل مصداق بودن برای معنای عرفی مشترک هستند ولی با یکدیگر حقیقتا متفاوت هستند و برخی از اختلافات ناشی از دیدگاه فلسفی خاصی در هستی شناسی تناسخ است و برخی از تعریف‌ها حقیقتا ناظر به قسمی خاص است و با بقیه تفاوت دارد.

اما بعد از ملاصدرا به نحو اشتراک لفظی معنای دیگری نیز برای تناسخ توسط ملاصدرا مطرح میشود که از آن به تناسخ ملکوتی تعبیر میکنیم.

پس امروزه تناسخ حداقل دو معنای متعارف دارد که از آنها به تناسخ ملکی و تناسخ ملکوتی تعبیر میشود که اولی مربوط به همین دنیا و جنبه ناسوتی است و دومی مربوط به حقائق بالاتر است و از این جهت به آنها ملکوتی گفته میشود.

تناسخ ملکوتی طبق تعریف ملاصدرا که مبدع این اصطلاح است، عبارت است از: تمثل النفس الانسانیة بصورة مناسبة لنیاتها و ملکاتها و افعالها. که البته خوی او همانطور که در آینده خواهد آمد، آن را به دو قسم تقسیم کرده است.

^۱ و التناسخ فی الفرائض و المیراث: أن تموت ورثة بعد ورثة و أصل المیراث قائم لم یقسم، و كذلك تناسخ الأئمة و القرن بعد القرن. (لسان العرب، ج ۳، ص ۶۱) و در العین داریم: و تَنَاسَخُ الوَرثة، و هو موت ورثة بعد ورثة، و المیراث لم یقسم، و كذلك تَنَاسَخُ الأئمة، و القرن بعد القرن. (العین، ج ۴، ص ۲۰۱) که همانطور که میبینید در هر دو استعمال معنای جایگزین شدن لحاظ شده است. در مثال ارث، ورثة جایگزین ورثة سابق میشوند و در مثال زمان هم، زمان جدید جایگزین زمان سابق میشود.

^۲ مفردات راغب: و القائلون بالتناسخ قومٌ یُکْرَوْنَ البعثَ علی ما أُتْبِتَهُ الشَّرِیعَةُ، و یزعمون أن الأرواحَ تنتقلُ إلى الأجسامِ عَلَی التَّأییدِ (مفردات راغب، ص ۸۰۲)

^۳ رک به مقاله معرفی و تاریخچه نظریه تناسخ، سوزنجی، حسین، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، بهار ۱۳۷۹، شماره ۴۱، ص ۳۰-۳۶. و نیز رک: تاریخ ادیان، جان بی ناس، ص ۱۵۴-۱۵۶ و نیز: تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۴۶۸.

^۴ تاریخ فلسفه، کاپلستون، ج ۱، ص ۷۹.

^۵ اسفار، ج ۹، ص ۵-۶ و ص ۳۶. «و ظنی أن ما هو منقول عن أساطین الحکمة کافلاطون و من قبله من أعظم الفلاسفة مثل سقراط و فیثاغورث و آغاناذیمون و أنبذقلس من إصرارهم علی مذهب التناسخ لم یکن معناه إلا الذي ورد فی الشریعة بحسب النشأة الأخری.» و نیز: «و لذلك اشتهر بین الناس أن قدماء الفلاسفة مع عظم رتبتهم فی الحکمة قائلون بالتناسخ و نسبة القول به إليهم افتراء محض عندنا منبأه الاشتباه بین حشر النفوس الإنسانية و تناسخها.»

تناسخ ملکی که همان معنای متعارف موجود در فلسفه است، به شکل‌های مختلفی تعریف شده است که به نوعی میتوان جامع میان معانی آن را چنین بیان کرد: انتقال النفس من بدن مادی الی بدن مادی آخر.

اما تفصیل تعاریف تناسخ ملکی را در کلمات فلاسفه ببینید.

تعریف ابن سینا:

التناسخ هو ان تكون النفس التي تفارق، تعود فتدخل بدنا آخر.^۶ در جای دیگر می‌گوید: ان تعود النفس بعد الموت الی البدن.^۷

همانطور که می‌بینید بین دو تعریف ابن سینا فرق است در اینکه در اولی صحبت از بدن دیگر است ولی در دومی صحبت از بدن دیگر نیست و دلیلش هم این است که ابن سینا فرقی بین بازگشت به همان بدن با بدن دیگر قائل نیست و لذا معاد جسمانی را محال میدانند. البته باید توجه داشت که ممکن است علت عدم تقیید به بدن دیگر این باشد که با دقت فلسفی، بدن دیگر هر چه که باشد، حتی اگر از مواد بدن سابق باشد، بدنی دیگر محسوب می‌شود. البته تعبیر «تعود» و «البدن» به همراه الف و لام عهد، ظاهر در این است که ابن سینا با این دقت فلسفی در اینجا سخن نگفته است و مرادش همان بدن سابق است.

تعریف ملاصدرا:

ملاصدرا تعریف‌های مختلفی بیان کرده است که عبارتند از:

۱. التناسخ الذي عبارة عن استرجاع النفس و نقلها إلى البدن بعد ذهابها عنه تارة أخرى من جهة صلوح مزاجه و استعداد مادته^۸

۲. إن التناسخ عندنا يتصور على ثلاثة أنحاء أحدها انتقال نفس من بدن إلى بدن مباین له منفصل عنه في هذه النشأة بأن يموت حيوان و ينتقل نفسه إلى حيوان آخر أو غير الحيوان سواء كان من الأخص إلى الأشرف أو بالعكس^۹

۳. التناسخ انتقال النفس من بدن عنصری او طبیعی الی بدن آخر منفصل عن الاول^{۱۰}

۴. التناسخ انتقال النفس الشخصية من بدن الی بدن سواء كان البدن عنصری او فلکیا او برزخیا.^{۱۱}

همانطور که می‌بینید این تعاریف با یکدیگر متفاوت هستند. اول اینکه در اولی با پدیده ای مثل رجوع روح به همان بدن است که البته با دقت فلسفی بدنی دیگر محسوب می‌شود ولی در دومی و سومی صریحا بدن مباین و بدن دیگر ذکر شده است و در چهارمی دیگر بودن از تنکیر بدن دوم فهمیده میشود.

همچنین تعریف چهارم صحبت از بدن برزخی است که متکلمین و شیخ اشراق به آن قائل بودند.^{۱۲}

از همین چند تعریف برخی از تقسیم‌های تناسخ ملکی قابل استفاده است. مثلا از تعریف اول می‌فهمیم که یکی از اقسام تناسخ بازگشت به همان بدن اول است که دوباره به شرایط زندگی بازگشته است. اما قسم دیگر تناسخ که از سه تعریف دیگر به دست می‌آید این است که به بدن دیگری صورت بگیرد که منفصل از بدن اول است. اما خود این قسم نیز بر اساس تعریف سوم قابل تقسیم به چهار قسم است. از عنصری به طبیعی یا از طبیعی به عنصری یا از طبیعی به طبیعی یا از عنصری به عنصری صورت بگیرد و همین بحث بر اساس تعریف چهارم، دارای ۹ حالت مختلف است که از هر یک از برزخی و عنصری و فلکی به هر یک از این سه صورت بگیرد.

همچنین به صورت کلی تناسخ یا از مساوی به مساوی است یا از اخس به اشرف یا بالعکس که خودش سه قسم دیگر است که از تعریف دوم به دست می‌آید که به ترتیب تناسخ متشابه و صعودی و نزولی نامیده میشود و این سه اعم از این هستند که روحی که از بدنی به بدن دیگر میرود، نفس انسانی باشد یا حیوانی.

اما برای خصوص نفس انسانی، اقسام تناسخ با اصطلاحات مختلف ذکر شده است که عبارتند از نسخ و مسخ و فسخ و رسخ که به ترتیب عبارتند از انتقال روح از بدن انسانی به بدن انسانی دیگر که نسخ است و از بدن انسان به بدن حیوان که مسخ است و از بدن انسان به بدن گیاه که فسخ است و از بدن انسان به جماد که رسخ است.^{۱۳}

^۶ المبدأ و المعاد، ص ۱۰۸.

^۷ الاضحویة فی المعاد، تحقیق حسن عاصی، ص ۱۲۲.

^۸ اسفار، ج ۹، ص ۵۵.

^۹ الشواهد الربوبیة، ص ۲۳۲.

^{۱۰} اسفار، ج ۹، ص ۴.

^{۱۱} اسرار الآیات، ص ۱۴۸.

^{۱۲} مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۲۳۰ و ۲۳۱. و السعداء من المتوسّطین و الزهّاد من المتزّهین قد یتخلّصون الی عالم المثل المعلّقة التي مظهرها بعض البرازخ العلویة، و لها ایجاد المثل و القوّة علی ذلك.

فیستحضر من الاطعمة و الصور و السماع الطیب و غیر ذلك علی ما یشتهی. و تلك الصور اتمّ ممّا عندنا، فانّ مظاهر هذه و حواملها ناقصة، و هی كاملة. و یخلّدون فیها لبقاء علاقتهم مع البرازخ و الظلمات و عدم فساد البرازخ العلویة. و أما أصحاب الشقاوة- الذین كانوا «حَوَّلَ جَهَنَّمَ جَهَنَّمَ» «فَأُضْحِبُوا فِي ديارِهِمْ جَائِعِينَ» سواء كان النقل حقًا أو باطلا- فانّ الحجج علی طرفی النقیض فیہ ضعیفة- اذا تخلّصوا عن الصّیاصی البرزخیة یكون لها ظلال من الصور المعلّقة علی حسب أخلاقها. و الصور المعلّقة لیست مثل افلاطون، فانّ مثل افلاطون نوریه ثابتة، و هذه مثل معلّقة (منها) ظلماتیة (منها) مستنيرة للسعداء علی ما یلتذّون به بیض مرد، و للاشقیاء سود زرق. و لمّا كان الصّیاصی المعلّقة لیست فی المرایا و غیرها، و لیس لها محلّ، فیجوز أن یكون لها مظهر من هذا العالم، و ربّما تنتقل فی مظاهرها، و منها یحصل ضرب من الجنّ و الشیاطین.

^{۱۳} رک شرح المنظومة، ج ۵، ص ۱۹۵ و ۱۹۶. [۱۴۲] غرر فی اقسام التناسخ نسخ، و مسخ [۱]، رسخ، فسخ، قسما، أي ذلك المذكور من مجموع الأربعة قسّم مجموع هذه الأربعة. أعني إنسا و حیوانا، جمادا، و نما. نشر علی ترتیب اللفّ.

در ضمن تذکر به این نکته لازم است که واژگانی مثل مسخ و رسخ و فسخ، از نظر لغوی ارتباطی با این معنای اصطلاحی ندارند و مثلاً مسخ به معنای زشت گرداندن است و رسخ به معنای ثبات است و فسخ به معنای نقض است و همانطوری که مبینید به جز مسخ که به معنای لغوی آن بی ربط نیست، بقیه حتی ربط چندانی هم ندارد.

اما تناسخ ملکوتی هم دو قسم دارد. یک قسم این طور است که بدن ظاهری بر حالت ظاهری خود میماند و بدن ملکوتی تغییر میکند و قسم دیگر این طور است که بدن ظاهری نیز به تبع بدن ملکوتی تغییر کند.^{۱۴}

مبانی فلسفی خاص تناسخ ملکوتی از منظر ملاصدرا

عوامل مؤثر در تناسخ ملکوتی - عوامل مؤثر در تغییر نفس

از مجموع کلمات ملاصدرا بر می آید که ایشان اعمال و نیات و ملکات را مؤثر در تناسخ ملکوتی نفس می داند. یعنی هر سه سبب تغییر چهره ملکوتی نفس میشوند. به عبارت دیگر نفس انسانی به کمک این سه ساخته میشود.

إن القول و الفعل ما دام وجودهما في أكوان الحركات و مواد المكونات فلا حظ لها من البقاء و الثبات و لكن من فعل فعال أو تكلم بقول يظهر منه أثر في نفسه و حالة قلبية تبقى زماناً و إذا تكررت الأفعال و الأفعال استحكمت الآثار في النفس و صارت الأحوال ملكات إذ الفرق بين الملكة و الحال بالشدّة و الضعف و الاشتداد في الكيفية يؤدي إلى حصول صورة جوهرية هي مبدأ مثل تلك الكيفية كالحرارة الضعيفة في الفحم إذا اشتدت صارت صورة نارية محرقة و كذلك الكيفية النفسانية إذا اشتدت صارت ملكة راسخة أي صورة نفسانية هي مبدأ آثار مختصة بها فيصدر بسببها الفعل المناسب لها بسهولة من غير روية و تعمل و من هذا الطريق تحدث ملكة الصناعات و مبدأ المكاسب العلمية و العملية- و لو لم يكن للنفس الأدمية هذا التأثير من الفعل أولاً ثم اشتداد ذلك الأثر فيها يوماً فيوماً لم يمكن لأحد من الناس اكتساب شيء من الصناعات العلمية و العملية و لم ينجع التأديب و التعليم لأحد و لم يكن في تمرين الأطفال على الأعمال فائدة و ذلك قبل رسوخ الهيئات مضادة لما هو المطلوب في نفوسهم و لذلك يعسر تعليم الرجال المحنكين و تأديبهم لاستحکام صفات حیوانیة فی نفوسهم بعد ما كانت هیولانیة قابلة لكل علم و صنعة- كصحيفة خالية من النقوش و الصور فهذه الآثار الحاصلة في القلوب و الأرواح بمنزلة النقوش و الكتابة الحاصلة في الصحائف و الألواح كما قال سبحانه أولئك كتب في قلوبهم الإيمان^{۱۵}

ماهیت ذو مراتب نفس

نفس از منظر ملاصدرا جسمانیة الحدوث است و به مرور زمان با حرکت جوهری موجودی می شود که هم دارای مرتبه مثالی و در برخی از افراد دارای مرتبه عقلی نیز می شود و نفس به نحو تشکیکی دارای تمام مراتب است و در آن واحد هم جسمانی است و هم مثالی و هم عقلی و همه این مراتب به وجود واحد موجود هستند.^{۱۶}

مثال صعودی و نزولی

عالم مثال در یک تقسیم بندی به عالم مثال صعودی و نزولی تقسیم می شود. عالم مثالی نزولی، عالم مثالی است که مقدم بر عالم ماده است و آثاری در عالم ماده دارد و هر موجودی در عالم ماده تجلی عالم مثال نزولی است ولی عالم مثال صعودی متأخر از عالم ماده است و از آثار عالم ماده بر عالم مثال است و مختص به انسان است به خلاف عالم مثال نزولی که هر حقیقتی در عالم ماده دارای یک حقیقت اعلی در عالم مثال نزولی است.^{۱۷}

بدن مثالی

بر اساس مطلبی که در دو مقدمه پیش عرض کردیم، باید گفت که بدن مثالی مرتبه ای از همین بدن مادی است که در مراحل تکامل نفس شکل گرفته است و با بدن موجود به وجود واحد است نه آن طور که شیخ اشراق معتقد بود که بدن مثالی را بدنی پیش ساخته میدانست که بعد از مرگ، روح به آن منتقل میشود.^{۱۸}

خالقیت نفس

نفس در دنیا قدرت خلق صور ذهنی را در خود دارد و بعد از مرگ به تصریح ملاصدرا، این قدرت به طریق اولی وجود دارد، زیرا در این دنیا نفس مشغولیت به بدن دارد ولی در آخرت چنین مشغولیتی وجود ندارد و لذا نفس به طریق اولی قدرت بر خالقیت خواهد داشت.^{۱۹}

^{۱۴} الشواهد الربوبية، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

^{۱۵} اسفار، ج ۹، ص ۲۹۰ و ۲۹۱. و نیز مشابه همین ملب در اسفار، ج ۹، ص ۴۴-۴۷.

^{۱۶} رک: درآمدی بر حکمت صدرانی، عبودیت، عبد الرسول، فصل نفس در منظر حکمت متعالیه.

^{۱۷} رک: المبدأ و المعاد، صدر الدین شیرازی، ص ۳۴۴-۳۵۶.

^{۱۸} مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۲، ص ۲۳۰ و ۲۳۱. و السعداء من المتوسطين و الزهاد من المتزهدين قد يتخلصون الى عالم المثل المعلقة التي مظهرها بعض البرازخ العلوية، و لها ايجاد المثل و القوة على ذلك.

فيستحضر من الاطعمة و الصور و السماع الطيب و غير ذلك على ما يشتهي. و تلك الصور اتم مما عندنا، فان مظاهر هذه و حواملها ناقصة، و هي كاملة. و يخلدون فيها لبقاء علاقتهم مع البرازخ و الظلمات و عدم فساد البرازخ العلوية. و اما اصحاب الشقاوة- الذين كانوا «حَوْلَ جَهَنَّمَ جِيًّا» «فَأَصْبَحُوا فِي ديارِهِمْ جَائِعِينَ» سواء كان النقل حقاً أو باطلا- فإن الحجج على طرفي النقيض فيه ضعيفة- اذا تخلصوا عن الصياصي البرزخية يكون لها ظلال من الصور المعلقة على حسب أخلاقها. و الصور المعلقة ليست مثل افلاطون، فإن مثل افلاطون نورية ثابتة، و هذه مثل معلقة (منها) ظلماتية (منها) مستتيرة للسعداء على مايلتدون به بيض مرد، و للأشقياء سود زرق. و لما كان الصياصي المعلقة ليست في المرابا و غيرها، و ليس لها محل، فيجوز أن يكون لها مظهر من هذا العالم، و ربما تنتقل في مظاهرها، و منها يحصل ضرب من الجن و الشياطين.

^{۱۹} اسفار، ج ۹، ص ۱۹۳ و ۱۹۴. قد سبق أن الصور التي يتصورها النفس بقوتها المصورة و تراها ببصرتها الخيالية لها وجود لا في هذا العالم و إلا ليراها كل سليم الحس و ليس كذلك بل في عالم آخر غائب عن هذا العالم و لا فرق بينها و بين ما تراها النفس بقوة الحس إلا بعدم ثباتها و ضعف تجوهرها لاشتغال النفس بغيرها و تفرق همتها و توزع خاطرها بما تتفعل من المؤثرات الخارجية و تشتغل بها حتى لو فرض أن يرتفع عنها الاشتغال بأفعال سائر القوى الحيوانية و الطبيعية و تكون مصروفة الهمة إلى فعل التخيل و التصور تكون الصور و الأجسام التي تتصورها و تعملها بقوة الخيال في غاية ما لها من القوام و تأكد الوجود و يكون تأثيرها أقوى من تأثير

تبیین فلسفی تناسخ ملکوتی بر اساس مقدمات پیش گفته

بر اساس نکاتی که عرض شد روشن می‌شود که در واقع تناسخ ملکوتی در هیچ یک از دو نوع آن، انتقال از بدنی به بدن دیگر نیست بلکه اعمال انسان حقیقت نفس را می‌سازد و نفس گاهی اوقات به حدی میرسد که بدن خارجی را به صورتی غیر از حالت اولیه انشاء میکند و گاهی چنین نیست و صرفاً حقیقت خود نفس تغییر میکند و تنها بعد از مرگ که از بدن جدا می‌شود، حقیقت نفس آشکار می‌گردد و البته ممکن است نفس در قیامت بدنی متناسب با خود انشاء کند، یعنی موانعی در دنیا نگذاشته بود که بدنی انشاء کند که پس از مرگ آن موانع بر طرف شود.

لذا میتوان گفت که اگر چه ملاصدرا در تعریفی، تناسخ ملکوتی را به «انتقال از بدن دنیوی به بدن اخروی که متناسب با اوصاف و اخلاق مکتسبه نفس در دار دنیا است» تعریف کرده است ولی به تصریح خود او و بر اساس تبیینی که ارائه میدهد در واقع صحبت از انتقال از بدنی به بدن دیگر نیست و چون بدن اخروی بدن همین بدن دنیوی است و همین الآن هم با اوست، لذا میتوان گفت که در نوعی از تناسخ ملکوتی (که بدن ظاهری هم تغییر میکند) نفس بدنی مطابق با هویت خویش می‌سازد و در هر دو نوع، در قیامت با بدنی که همواره با او بوده است محسوس میشود، زیرا بدن اخروی در هر دو نوع در قیامت باقی میماند و بدن دیگر از میان میرود و لذا شخص با باطن بدن ظاهری خود در قیامت محسوس میشود که در همین دنیا نیز موجود بوده است، هر چند که بیشتر ظاهر نبوده است.

البته باید این نکته را یادآور شد که تناسخ ملکوتی به هر دو قسم آن، الزاماً وابسته به همه مبانی سابق نیست بلکه صرفاً با تحلیل فلسفی‌ای که ملاصدرا از آن ارائه می‌دهد به همه اصول پیش گفته محتاج است. مثلاً ممکن است کسی وجود تشکیکی نفس را منکر باشد و آن را جدای از بدن مادی بداند ولی به تناسخ ملکوتی قائل شود به این صورت که حقیقت نفس عوض شود و در قیامت به صورت همان حقیقت آشکار شود.

آیات و روایات مرتبط با بحث تناسخ اعم از ملکی و ملکوتی

آیات تناسخ ملکی

آیه اول و دوم

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِئُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۵۹) (بقره)

از این آیه این چنین برداشت می‌شود که خدا هم جناب عزیر و هم حمار را میراند. اما بعد از مدتی ایشان را زنده کرد. در این آیه مبارکه قید نشده است که آیا خود بدن عزیر زنده شد یا عزیر در بدن دیگری زنده شد. همچنین ذکر نشده است که حمار با همان بدن قبلی زنده شد یا با بدن دیگر ولی در هر صورت تصریح به موت عزیر شده است که با زنده شدن تناسخ ملکی خواهد بود. اجمالاً در مورد حمار از تعبیر * (العظام)* روشن می‌شود که استخوانهای حمار باقی مانده بود و خدا همان استخوان‌ها را در بدن جدید استفاده کرده است. این آیه صریح در تناسخ است و با تناسخ ملکی تناسب دارد. در مورد حمار مساله صریحتر است.

مشابه همین مشکل در آیه مبارکه ۵ سوره مبارکه تکویر * (وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ)* جز اینکه در این آیه مبارکه این توجیه قابل طرح است که حشر وحوش را غیر جسمانی تصور کنیم یا اینکه مراد از وحوش را انسان‌هایی بدانیم که حقیقت وجودشان وحشی شده است، به خلاف ماجرای حمار که آیه ظهور بسیار قوی دارد در اینکه همان استخوانها با گوشت مادی پوشانده شده است.

آیه سوم

وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۶۷) قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالِ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصٌ وَلَا بَكَرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَاعْبُدُوا مَا تُمَرُّونَ (۶۸) قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالِ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْتُهَا تُسَرُّ النَّاطِرِينَ (۶۹) قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (۷۰) قَالِ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَ لَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْنَا بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَ مَا كَادُوا يُفْعَلُونَ (۷۱) وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۷۲) فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۷۳) (بقره)

روایت ضمن تفسیر آیه مبارکه (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۵۰): ثُمَّ قَالُوا مَا تَأْمُرُنَا يَا نَبِيَّ اللَّهِ- فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ قُلْ لَهُمْ اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا وَ قُولُوا مَنْ قَتَلَكَ فَأَخَذُوا الذَّنْبَ فَضَرَبُوهُ بِهِ- وَ قَالُوا مَنْ قَتَلَكَ يَا فُلَانٌ- فَقَالَ فُلَانٌ ابْنُ فُلَانٍ ابْنُ عَمِّي الَّذِي جَاءَ بِهِ- وَ هُوَ قَوْلُهُ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا- كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى- وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.

امالی المرتضی (ج ۲، ص ۲۲۵): فَمَا قَوْلُهُ تَعَالَى: كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى فَلِلْإِشَارَةِ وَقَعَتْ بِهِ إِلَى قِيَامِ الْمَقْتُولِ عِنْدَ ضَرْبِهِ بَعْضُ أَعْضَاءِ الْبَقَرَةِ؛ لِأَنَّهُ رَوَى أَنَّهُ قَامَ حَيًّا وَ أَوْدَاجَهُ تَشَخَّبَ دَمَا، فَقَالَ: قَتَلْتَنِي فُلَانٌ!

این آیه مبارکه هم بر اساس مطلبی که در روایات مفسر آیه آمده است و همچنین ظاهر ابتدائی آیه ۷۳ سوره بقره، حاوی یک نوع مرده زنده شدن و بازگشت روح به بدن مادی است که واضح است که همان بدن سابق است و بازگشت روح به همان بدن سابق بوده است. توجیهات قابل طرح مشابه مورد قبلی است.

المحسوسات المادية كما يحكى عن أهل الكرامات و خوارق العادات و إذا كان حال النفس في تصوير الأشياء على هذا الوجه و هي بعد في الدنيا ذات تعلق ببدنها فما ظنك إذا انقطع علاقتها عن الدنيا بالكلية و قويت قوتها و تأكدت فعليتها فكل نفس إنسانية فارقت الدنيا و كانت من أهل السلامة- عن الأمراض النفسانية و ذمات الأخلاق و الملكات غير مرتين بما يزعجها و يؤذيها و يمنعها عن الرجوع إلى ذاتها تكون لها عالم خاص بها فيه من كل ما تريده و تشتهي و هذا أدنى مرتبة من مراتب السعداء فإن كل أحد منهم له جنة عرضها كعرض السماوات و منازل الأبرار و المقربين فوق هذا إلى ما لا يحصى.

آیه چهارم

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لِمَ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِنَّكَ تَمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢٦٠) (بقره)

از این آیه نیز چنین برداشت می‌شود که نفس پرندگان به بدنی مادی برگشته است که نوعی تناسخ است و همانطور که در قسمت اول عرض کردیم، توجیه ساخته شدن بدن با جسم مثالی نیز در مورد آن قبال طرح نیست مگر اینکه قائل به نفس مجرد برای حیوان شویم.

آیه پنجم و ششم

وَ رَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٤٩) (آل عمران)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَ عَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَبَدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ نُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ إِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ إِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ تُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَ إِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (١١٠) (مانده)

از این دو آیه مبارکه نیز چنین برداشت میشود که حضرت عیسی مردگان را زنده می‌کرد و این معنایش این است که روح به همان بدن بر می‌گشت. نکات و توجیهاات مانند موارد قبل است. البته آیه اول در زنده شدن مردگان صریحتر از آیه دوم است.

آیه هفتم - رجعت

وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ (٨٣) (نمل)

این آیه مبارکه به تصریح روایات مراد از آن رجعت است، زیرا در قیامت به تصریح قرآن کریم، همه محشور می‌شوند و نه یک گروه خاص.^{۲۰} البته این آیه مبارکه صریح در رجعت عده‌ای از بدکاران است.

رجعت بازگشت برخی از خوبان و برخی از بدکاران به این دنیا است و بر اساس روایات رجعت، افراد حتی بدها به صورت ظاهری انسان (و نه حیوان) به دنیا بر می‌گردند. در مورد رجعت مسأله ساخته شدن بدن مادی توسط بدن مثالی قابل طرح است.

آیه هشتم

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٥٦) (بقره)

این آیه مبارکه اشاره به ماجرای بنی اسرائیل است که بعد از تجلی خدا بر کوه، به تصریح این آیه مردند و بعد زنده شدند. این آیه هم نوعی تناسخ است که رجوع روح به همان بدن سابق صورت گرفته است مگر اینکه توجیهااتی را مطرح کنیم.

آیه نهم - آیات عالم ذر

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (١٧٢) (اعراف)

از این آیه برداشت می‌شود که آنچه از حضرت آدم خارج شده است، دارای فهم بوده است و چون از ظهر حضرت آدم خارج شده است، جنبه مادی داشته است و لذا بعدها از یک بدن مادی (ذره) به بدن مادی دیگری، بدن انسانی منتقل شده است. از گذشته دور بحث عالم ذر به دلیل عدم تطابق آن با تصورات متعارف میان متکلمین و بعدها فلاسفه، مورد تشکیک و انکار یا تأویل واقع می‌شد.

آیات تناسخ ملکوتی

وَ لَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (٦٥) (بقره)

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (١٦٦) (اعراف)

در روایات مفسر آیه داریم: قُلْتُ فَقَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ قَالَ إِنَّ أَوْلِيكَ مُسْحُوا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ مَاتُوا وَ لَمْ يَتَنَاسَلُوا وَ إِنَّ الْقِرَدَةَ الْيَوْمَ مِثْلُ أَوْلِيكَ وَ كَذَلِكَ الْخَنَازِيرُ وَ سَائِرُ الْمُسُوخِ مَا وَجِدَ مِنْهَا الْيَوْمَ مِنْ شَيْءٍ فَهِيَ مِثْلُهُ لَا يَحِلُّ أَنْ يُؤْكَلَ لَحْمُهُ ثُمَّ قَالَ ع لَعَنَ اللَّهُ الْغُلَاةَ وَ الْمُفَوَّضَةَ فَإِنَّهُمْ صَعَرُوا عَصِيَانَ اللَّهِ وَ كَفَرُوا بِهِ وَ أَشْرَكُوا وَ صَلُّوا وَ أَصَلُّوا فِرَارًا مِنْ إِقَامَةِ الْفَرَائِضِ وَ آدَاءِ الْحَقُوقِ.^{۲۱}

همچنین بحث مسخ در سوره یس هم مطرح شده است:

^{۲۰} قَالَ وَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهُ ع قَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ - قَالَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ أَيْ يَحْشُرُ اللَّهُ فِي الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَ يَدْعُ الْبَاقِينَ - إِنَّمَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ « وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمَّ تُعَادُوا مِنْهُمْ أَحَدًا » (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴)

^{۲۱} علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۲۷.

بر اساس ظاهر آیه مبارکه، آن افرادی که در روز شنبه گناه کردند، تغییر شکل دادند و به جای بدن انسانی مادی، دارای بدن مادی حیوانی به صورت بوزینه شدند و بر اساس روایت ذکر شده، سه روز در این بدن زنده ماندند و بعد مردند و هیچ نسلی هم نداشتند.

واضح است که بر اساس مقدمات ذکر شده، این آیه با تناسخ ملکوتی قابل تبیین است به این صورت که بدن ظاهری نیز بعد از مدتی تغییر کرده است.

خود ملاصدرا در شرح آیه مبارکه چنین می گوید:

وإن وجهنا نحن كلامهم إلى غير ما فهمه الجمهور منه، من أن ذلك بحسب النشأة الآخرة ودار القيامة والبعث، لا في الدنيا، فإن انسلاخ النفس عن بدن طبعي إلى بدن طبعي آخر منفصل عن الأول ممتنع. و أما تقلب القلوب و تحوّل الباطن بحسب رسوخ الأخلاق و الملكات من نشأة بشرية إلى نشأة ملكية أو شيطانية أو سبعية أو بهيمية جائزة عند العرفاء المحققين، و الحكماء الكاملين. و عليه براهين كثيرة ليس هاهنا موضع بيانها.^{٢٢}

همو در تفسیر سوره یس می گوید: و هذا بالحقیقة معنی «الطمس» و «المسخ» الواقع فی یهود الأمم السابقة مکشوفاً، و فی مجسمة هذه الامة مستورا، لا التناسخ بالمعنى المشهور بین الفلاسفة، لنهوض البراهین علی استحالة انتقال النفس من بدن عنصری الی بدن آخر.

و أما انقلاب باطن الإنسان بحسب كثرة الاعمال الشهوية و الغضبية و الجبرزية الی حقیقة البهائم و السباع و الشیاطین، فهذا مما اتفق علیه اکابر المحققین من أهل الكشف و الشهود، و أشار الیه أعظم الحكماء الأقدمین من أصحاب الاشراف و السلوک الی الله المعبود، و نطقت به السنة الشراعیة الحقة الالهية، و دلت علیه الآیات القرآنیة، و صرحت به الأحادیث النبویة.^{٢٣}

ملاصدرا بحث شهود عرفاء در این مبحث را در مواضع دیگری نیز تأکید کرده است از جمله:

هي صور معلقة موجودة للنفس من النفس في صقع آخر مرتبة بأعمال و أفعال حدث عنها في دار الدنيا و أثمرت في ذاتها أخلاقاً و ملكات مستتعبة لتلك الصور المعلقة هو ما قاله قدوة المكاشفين محي الدين العربي عليك أن تعلم أن البرزخ الذي تكون الأرواح فيه بعد المفارقة من النشأة الدنيوية هو غير البرزخ الذي بين الأرواح المجردة و الأجسام^{٢٤}

روایات:

تناسخ ملکوتی همراه با تغییر ظاهر در دنیا

علت مسخ ملکوتی اقوام سابق به چیزهای مختلف

١ حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْمُسُخِ فَقَالَ أَتَيْتُ عَشْرَ صِنْفًا وَلَهَا عِلَلٌ فَأَمَّا الْفَيْلُ فَإِنَّهُ مُسَخٌّ لِأَنَّهُ كَانَ مَلِكًا زَنَاءً لَوَطِيًا وَ مُسَخَّ الدُّبِّ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا دَيْوُثًا وَ مُسَخَّتِ الْأَرْنبُ لِأَنَّهَا كَانَتْ امْرَأَةً تُحُونُ زَوْجَهَا وَ لَا تَغْتَسِلُ مِنْ حَيْضٍ وَ لَا جَنَابَةَ وَ مُسَخَّ الْوُطُوَاطِ لِأَنَّهُ كَانَ يَسْرِقُ تُمُورَ النَّاسِ وَ مُسَخَّ سَهَيْلٍ لِأَنَّهُ كَانَ عَشَارًا بِالْيَمَنِ وَ مُسَخَّتِ الزُّهْرَةُ لِأَنَّهَا كَانَتْ امْرَأَةً فُتِنَ بِهَا هَارُوتُ وَ مَازُوتُ وَ أَمَّا الْقِرْدَةُ وَ الْخَنَازِيرُ فَإِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْتَدَوْا فِي السَّبْتِ وَ أَمَّا الْجِرِّيُّ وَ الصَّبُّ فَيَرْفَعُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حِينَ نَزَلَتْ الْمَائِدَةُ عَلَى عِيسَى لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ فَتَاهُوا فَوَقَعَتْ فِرْقَةٌ فِي الْبَحْرِ وَ فِرْقَةٌ فِي الْبَرِّ وَ أَمَّا الْعُقْرُبُ فَإِنَّهُ كَانَ رَجُلًا نَمَامًا وَ أَمَّا الرُّبُورُ فَكَانَ لَحَامًا يَسْرِقُ فِي الْمِيزَانِ.^{٢٥}

٢ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعُلَوِيُّ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْمَدٍ ع قَالَ الْمُسُخُ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ الْفَيْلُ وَ الدُّبُّ وَ الْأَرْنبُ وَ الْعُقْرُبُ وَ الصَّبُّ وَ الْعُنْكَبُوتُ وَ الدُّعْمُوصُ وَ الْجِرِّيُّ وَ الْوُطُوَاطُ وَ الْقِرْدُ وَ الْخَنَازِيرُ وَ الزُّهْرَةُ وَ سَهَيْلٌ قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا كَانَ سَبَبَ مُسَخِّ هَؤُلَاءِ قَالَ أَمَّا الْفَيْلُ فَكَانَ رَجُلًا جَبَّارًا لَوَطِيًا لَا يَدْعُ رَطْبًا وَ لَا يَأْسَأُ وَ أَمَّا الدُّبُّ فَكَانَ رَجُلًا مُخْتَنًا يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى نَفْسِهِ وَ أَمَّا الْأَرْنبُ فَكَانَتْ امْرَأَةً قِرْدَةً لَا تَغْتَسِلُ مِنْ حَيْضٍ وَ لَا جَنَابَةَ وَ لَا غَيْرَ ذَلِكَ وَ أَمَّا الْعُقْرُبُ فَكَانَ رَجُلًا هَمَّازًا لَا يَسْلَمُ مِنْهُ أَحَدٌ وَ أَمَّا الصَّبُّ فَكَانَ رَجُلًا أَعْرَابِيًّا يَسْرِقُ الْحَاجَّ بِمِحْجِنِهِ وَ أَمَّا الْعُنْكَبُوتُ فَكَانَتْ امْرَأَةً سَحَرَتْ زَوْجَهَا وَ أَمَّا الدُّعْمُوصُ فَكَانَ رَجُلًا نَمَامًا يَقْطَعُ بَيْنَ الْأَجْبَةِ وَ أَمَّا الْجِرِّيُّ فَكَانَ رَجُلًا دَيْوُثًا يَجْلِبُ الرِّجَالَ عَلَى حَلَالِنِهِ وَ أَمَّا الْوُطُوَاطُ فَكَانَ رَجُلًا سَارِقًا يَسْرِقُ الرُّطْبَ مِنْ زُؤُسِ النَّخْلِ وَ أَمَّا الْقِرْدَةُ فَالْيَهُودُ اعْتَدَوْا فِي السَّبْتِ وَ أَمَّا الْخَنَازِيرُ فَالنَّصَارَى حِينَ سَأَلُوا الْمَائِدَةَ فَكَانُوا بَعْدَ نُزُولِهَا أَشَدَّ مَا كَانُوا تَكْذِيبًا وَ أَمَّا سَهَيْلٌ فَكَانَ رَجُلًا عَشَارًا بِالْيَمَنِ وَ أَمَّا الزُّهْرَةُ فَإِنَّهَا كَانَتْ امْرَأَةً تُسَمَّى نَاهِيْدَ وَ هِيَ الَّتِي تَقُولُ النَّاسُ إِنَّهُ أَفْتِنَ بِهَا هَارُوتُ وَ مَازُوتُ.^{٢٦}

٣ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنِ الرَّضَاعِ أَنَّهُ قَالَ: كَانَتْ الْخُفَّاشُ امْرَأَةً سَحَرَتْ صَبْرَةَ لَهَا فَمَسَخَهَا اللَّهُ تَعَالَى خُفَّاشًا وَ إِنَّ الْفَأْرَ كَانَ سِبْطًا مِنَ الْيَهُودِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَمَسَخَهُمْ فَأَرَأَ وَ إِنَّ الْبُعُوضَ كَانَ رَجُلًا يَسْتَهْزِئُ بِالْأَنْبِيَاءِ ع وَ يَسْتَيْمُهُمْ وَ يَكْلَحُ فِي وَجُوهِهِمْ وَ يُصَفِّقُ بِيَدَيْهِ فَمَسَخَهُ اللَّهُ تَعَالَى بُعُوضًا وَ إِنَّ الْقُمَّلَةَ هِيَ مِنَ الْجَسَدِ وَ إِنَّ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ قَانِمًا يَصَلِّي إِذْ أَقْبَلَ إِلَيْهِ سَفِيهٌ مِنْ سَفَهَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَجَعَلَ يَهْزَأُ بِهِ وَ يَكْلَحُ فِي وَجْهِهِ فَمَا بَرِحَ مِنْ مَكَانِهِ حَتَّى مَسَخَهُ

^{٢٢} تفسیر القرآن الکریم، ج ٣، ص ٤٧١.

^{٢٣} همان، ج ٥، ص ٢٦٨.

^{٢٤} صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، جلد: ٩، صفحہ: ٤٥، مکتبة المصطفوی، قم - ایران، ١٣٦٨ ه. ش.

^{٢٥} علل الشرائع، ج ٢، ص: ٤٨٥ و ٤٨٦.

^{٢٦} علل الشرائع، ج ٢، ص: ٤٨٦.

اللَّهِ شُبْحَانَهُ وَتَعَالَى قَمَلُهُ وَإِنَّ الْوَزْعَ كَانَ سَبْطًا مِنْ أَسْبَاطِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يُسْبَوْنَ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَيُبْعِضُونَهُمْ فَمَسَحَهُمُ اللَّهُ أَوْزَاعًا وَ أَمَّا الْعُنُقَاءُ فَمِنْ غَضَبِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ فَمَسَحَهُ وَ جَعَلَهُ مُثْلَةً فَنَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ نَقَمَتِهِ. ٢٧

٤ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُعْبِرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: الْمُسُوخُ مِنْ بَنِي آدَمَ ثَلَاثَةٌ عَشْرٌ صِنْفًا مِنْهُمْ الْقِرْدَةُ وَالْحَنَازِيرُ وَالْحُشَافُ وَالصَّبُّ وَالدُّبُّ وَالْفَيْلُ وَالدُّعْمُوصُ وَ الْحِجْرِيُّ وَ الْعُقْرَبُ وَ سَهَيْلٌ وَ الْقَنْفُدُ وَ الزُّهْرَةُ وَ الْعُنْكُبُوتُ فَأَمَّا الْقِرْدَةُ فَكَانُوا قَوْمًا يَنْزِلُونَ بِلْدَةَ عَلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ اعْتَدُوا فِي السَّبْتِ فَصَادُوا الْحَيْتَانَ فَمَسَحَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى قِرْدَةً وَ أَمَّا الْحَنَازِيرُ فَكَانُوا قَوْمًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ دَعَا عَلَيْهِمْ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَمَسَحَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى حَنَازِيرَ وَ أَمَّا الْحُشَافُ فَكَانَتْ امْرَأَةٌ مَعَ صَرَّةٍ لَهَا فَسَحَرَتْهَا فَمَسَحَهَا اللَّهُ تَعَالَى حُشَافًا وَ أَمَّا الصَّبُّ فَكَانَتْ أَعْرَابِيًّا بَدْوِيًّا لَا يَرِيعُ عَنْ قَتْلِ مَنْ مَرَّ بِهِ مِنَ النَّاسِ فَمَسَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى صَبًّا وَ أَمَّا الْفَيْلُ فَكَانَ رَجُلًا يَنْكِحُ الْبَهَائِمَ فَمَسَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيْلًا وَ أَمَّا الدُّعْمُوصُ فَكَانَ رَجُلًا زَانِيًا الْفُرْجَ لَا يَرِيعُ مِنْ شَيْءٍ فَمَسَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى دُعْمُوصًا وَ أَمَّا الْحِجْرِيُّ فَكَانَ رَجُلًا نَمَامًا فَمَسَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى حِجْرِيًّا وَ أَمَّا الْعُقْرَبُ فَكَانَ رَجُلًا هَمَارًا لَمَّا زَا فَمَسَحَهُ اللَّهُ عُقْرَبًا وَ أَمَّا الدُّبُّ فَكَانَ رَجُلًا يَسْرِقُ الْحَاجَّ فَمَسَحَهُ اللَّهُ دُبًّا وَ أَمَّا سَهَيْلٌ فَكَانَ رَجُلًا عَشَارًا صَاحِبَ مِكَاسٍ فَمَسَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى سَهَيْلًا وَ أَمَّا الزُّهْرَةُ فَكَانَتْ امْرَأَةً فُتِنَ بِهَا هَارُوتُ وَ مَارُوتُ فَمَسَحَهَا اللَّهُ تَعَالَى زُهْرَةً وَ أَمَّا الْعُنْكُبُوتُ فَكَانَتْ امْرَأَةً سَيِّئَةِ الْخُلُقِ عَاصِيَةً لِرُؤُوسِهَا مُؤَلِّيَةً عَنْهُ فَمَسَحَهَا اللَّهُ تَعَالَى عُنْكُبُوتًا وَ أَمَّا الْقَنْفُدُ فَكَانَ رَجُلًا سَيِّئِ الْخُلُقِ فَمَسَحَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَنْفُدًا. ٢٨

٥ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسْوَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مَكِّيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سَعْدَوَيْهِ الْبُرْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زَكْرِيَّا بْنُ يَحْيَى بْنِ عُبَيْدِ الْعَطَّارِ بِدَمِيَّاطٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَلَانِسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَوْسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مَعْتَبِ مَوْلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: سئل رَسُولُ اللَّهِ ص عَنِ الْمُسُوخِ قَالَ هُمْ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ الْفَيْلِ وَ الدُّبِّ وَ الْحَنَازِيرُ وَ الْقِرْدُ وَ الْحِجْرِيُّ وَ الصَّبُّ وَ الدُّعْمُوصُ وَ الْعُقْرَبُ وَ الْعُنْكُبُوتُ وَ الْأَرْنبُ وَ الزُّهْرَةُ وَ سَهَيْلٌ قَبِيلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا كَانَ سَبَبَ مَسْحِهِمْ قَالَ أَمَّا الْفَيْلُ فَكَانَ رَجُلًا لُوطِيًّا لَا يَدْعُ رَطْبًا وَ لَا يَأْسَأُ وَ أَمَّا الدُّبُّ فَكَانَ رَجُلًا مُحَنَّنًا يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى نَفْسِهِ وَ أَمَّا الْحَنَازِيرُ فَهِيَ قَوْمٌ نَصَارَى سَأَلُوا رَبَّهُمْ تَعَالَى أَنْ يَنْزِلَ الْمَائِدَةَ عَلَيْهِمْ فَلَمَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمْ كَانُوا أَشَدَّ كُفْرًا وَ أَشَدَّ تَكْذِيبًا وَ أَمَّا الْقِرْدَةُ فَهِيَ قَوْمٌ اعْتَدُوا فِي السَّبْتِ وَ أَمَّا الْحِجْرِيُّ فَكَانَ دُيُونًا يَدْعُو الرِّجَالَ إِلَى أَهْلِيهِ وَ أَمَّا الصَّبُّ فَكَانَ أَعْرَابِيًّا يَسْرِقُ الْحَاجَّ بِمِحْبَجِهِ وَ أَمَّا الْوَطُوطُ فَكَانَ يَسْرِقُ الثَّمَارَ مِنْ رُءُوسِ النَّخْلِ وَ أَمَّا الدُّعْمُوصُ فَكَانَ نَمَامًا يَمُرُّ بَيْنَ الْأَجْبِيَّةِ وَ أَمَّا الْعُقْرَبُ فَكَانَ رَجُلًا لَدَاعًا لَا يَسْلَمُ مِنْ لِسَانِهِ أَحَدٌ أَمَّا الْعُنْكُبُوتُ فَكَانَتْ امْرَأَةً سَحَرَتْ زَوْجَهَا وَ أَمَّا الْأَرْنبُ فَكَانَتْ امْرَأَةً لَا تَطْهَرُ مِنْ حَيْضٍ وَ لَا غَيْرِهِ وَ أَمَّا سَهَيْلٌ فَكَانَ عَشَارًا بِالْيَمَنِ وَ أَمَّا الزُّهْرَةُ فَكَانَتْ امْرَأَةً نَصْرَانِيَّةً وَ كَانَتْ لِبَعْضِ مُلُوكِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ هِيَ الَّتِي فُتِنَ بِهَا هَارُوتُ وَ مَارُوتُ وَ كَانَ اسْمُهَا نَاهِيلَ وَ النَّاسُ يَقُولُونَ نَاهِيْدًا. ٢٩

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَشَّارٍ الْقُرَوِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَرَجِ الْمُظْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ الْقُرَوِينِيُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُحَمَّدَ بْنَ جَعْفَرَ الْأَسَدِيَّ الْكُوفِيَّ يَقُولُ فِي سَهَيْلِ وَ الزُّهْرَةِ إِنَّهُمَا دَابَتَانِ مِنَ دَوَابِّ الْبَحْرِ الْمُطِيفِ بِالدُّنْيَا فِي مَوْضِعٍ لَا تَبْلُغُهُ سَفِينَةٌ وَ لَا تَعْمَلُ فِيهِ حَيْلَةٌ وَ هُمَا الْمَسْحَانُ الْمَذْكُورَانِ فِي أَصْنَافِ الْمُسُوخِ. ٣٠

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّهُ سَيَكُونُ قَوْمٌ يَبِيثُونَ- وَ هُمْ عَلَى شُرْبِ الْخَمْرِ وَ اللَّهْوِ وَ الْغِنَاءِ- فَيَبِيثُونَ هُمْ كَذَلِكَ إِذْ مُسَخُوا مِنْ لَيْلَتِهِمْ- وَ أَصْحَابُ قِرْدَةٍ وَ حَنَازِيرٍ- وَ هُوَ قَوْلُهُ «وَ احْذَرُوا» أَنْ تَعْتَدُوا كَمَا اعْتَدَى أَصْحَابُ السَّبْتِ، فَقَدْ كَانَ أَمَلِي لَهُمْ حَتَّى أَتُوا وَ قَالُوا إِنَّ السَّبْتَ لَنَا حَلَالٌ وَ إِنَّمَا كَانَ حَرَمٌ عَلَى أَوْلِيَانَا- وَ كَانُوا يَتَعَقَّبُونَ عَلَى اسْتِحْلَالِهِمْ السَّبْتَ، فَأَمَّا نَحْنُ فَلَيْسَ عَلَيْنَا حَرَامٌ- وَ مَا زِلْنَا بِخَيْرٍ مُنْذُ اسْتَحْلَلْنَا- وَ قَدْ كَثُرَتْ أَمْوَالُنَا وَ صَحَّتْ أَجْسَامُنَا، ثُمَّ أَخَذَهُمُ اللَّهُ لَيْلًا وَ هُمْ غَافِلُونَ- فَهُوَ قَوْلُهُ «وَ احْذَرُوا» أَنْ يَجِلَّ بِكُمْ مِثْلُ مَا حَلَّ بِمَنْ تَعَدَى وَ عَصَى- فَلَمَّا نَزَلَ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ التَّشْدِيدُ فِي أَمْرِهِمَا ٣١

اَتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ قَالُوا كَمَا حَكَى اللَّهُ نُزِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَ تَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا- وَ نَعْلَمُ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَ نَكُونُ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ فَقَالَ عِيسَى اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ- تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلِيَانَا وَ آخِرِنَا وَ آيَةً مِنْكَ- وَ ارْزُقْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ف قَالَ اللَّهُ احْتَجَاجًا عَلَيْهِمْ إِيَّيْ مُنْزِلَهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ- فَإِنِّي أَعَذُّبُهُ عَذَابًا لَا أَعَذُّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ فَكَانَتْ تَنْزِيلُ الْمَائِدَةِ عَلَيْهِمْ فَيَجْتَمِعُونَ عَلَيْهَا- وَ يَأْكُلُونَ حَتَّى يَشْبَعُونَ ثُمَّ تَرَفَعُ، فَقَالَ كِبْرَاهِيمُ وَ مَتْرُفُوهُمُ لَا نَدْعُ سَفَلَتِنَا بِأَكْلُونِ مِنْهَا- فَرَفَعَ اللَّهُ الْمَائِدَةَ وَ مَسَخُوا قِرْدَةً وَ حَنَازِيرَ، قَوْلُهُ: وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ- اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيَّ الْهَيْتِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَفِظَ الْآيَةَ مَاضٍ وَ مَعْنَاهُ مُسْتَقْبَلٌ لَمْ يَقْلَهُ بَعْدَ وَ سَبَقُوهُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ النَّصَارَى زَعَمُوا أَنَّ عِيسَى قَالَ لَهُمْ- اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيَّ الْهَيْتِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَجْمَعُ اللَّهُ بَيْنَ النَّصَارَى وَ بَيْنَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ يَقُولُ لَهُ أَنْتَ قُلْتَ لَهُمْ مَا يَدْعُونَ عَلَيْكَ- اتَّخِذُونِي وَ أُمَّيَّ الْهَيْتِينَ، يَقُولُ عِيسَى سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ- إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي- وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ إِلَى قَوْلِهِ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ وَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ عِيسَى لَمْ يَقُلْ لَهُمْ ذَلِكَ قَوْلُهُ: هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ. ٣٢

فَإِنهَا قَرِيْبَةٌ كَانَتْ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ قَرِيْبًا مِنَ الْبَحْرِ، وَ كَانَ الْمَاءُ يَجْرِي عَلَيْهَا فِي الْمَدِّ وَ الْجَزْرِ- فَيَدْخُلُ أَنْهَارُهُمْ وَ رُؤُوعُهُمْ، وَ يَخْرُجُ السَّمَكُ مِنَ الْبَحْرِ- حَتَّى يَبْلُغَ آخِرَ رَزْعِهِمْ، وَ قَدْ كَانَ اللَّهُ قَدْ حَرَّمَ عَلَيْهِمُ الصَّيْدَ يَوْمَ السَّبْتِ وَ كَانُوا يَصْعُقُونَ الشَّبَاكَ فِي الْأَنْهَارِ لَيْلَةَ الْأَحَدِ يَصِيدُونَ بِهَا السَّمَكَ- وَ كَانَ السَّمَكُ يَخْرُجُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ يَوْمَ الْأَحَدِ لَا يَخْرُجُ- وَ هُوَ قَوْلُهُ إِذْ تَأْتِيهِمْ حَيْثَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا- وَ يَوْمٌ لَا يَسْبُتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ فَنَّهُمْ عُلَمَاءُ هُمْ عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ يَنْتَهُوا فَمَسَخُوا قِرْدَةً وَ حَنَازِيرَ، وَ كَانَتْ الْعَلَّةُ فِي تَحْرِيمِ الصَّيْدِ عَلَيْهِمْ يَوْمَ السَّبْتِ أَنْ عِيدَ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ وَ غَيْرِهِمْ كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَخَالَفَتْ الْيَهُودُ وَ قَالُوا عِيدُنَا يَوْمَ السَّبْتِ فَحَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الصَّيْدَ يَوْمَ السَّبْتِ وَ مَسَخُوا قِرْدَةً وَ حَنَازِيرَ. ٣٣

فَإِنهَا قَرِيْبَةٌ كَانَتْ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ قَرِيْبًا مِنَ الْبَحْرِ، وَ كَانَ الْمَاءُ يَجْرِي عَلَيْهَا فِي الْمَدِّ وَ الْجَزْرِ- فَيَدْخُلُ أَنْهَارُهُمْ وَ رُؤُوعُهُمْ، وَ يَخْرُجُ السَّمَكُ مِنَ الْبَحْرِ- حَتَّى يَبْلُغَ آخِرَ رَزْعِهِمْ، وَ قَدْ كَانَ اللَّهُ قَدْ حَرَّمَ عَلَيْهِمُ الصَّيْدَ يَوْمَ السَّبْتِ وَ كَانُوا يَصْعُقُونَ الشَّبَاكَ فِي الْأَنْهَارِ لَيْلَةَ الْأَحَدِ يَصِيدُونَ بِهَا السَّمَكَ- وَ كَانَ السَّمَكُ يَخْرُجُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ يَوْمَ الْأَحَدِ لَا يَخْرُجُ- وَ هُوَ قَوْلُهُ إِذْ تَأْتِيهِمْ حَيْثَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ

٢٧ علل الشرائع، ج ٢، ص: ٤٨٦ و ٤٨٧.

٢٨ علل الشرائع، ص ٤٨٧ و ٤٨٨ و نيز مشابه همین روایت در الخصال ج ٢ ٤٩٣ المسوخ ثلاثة عشر صنفا ص: ٤٩٣

٢٩ علل الشرائع، ص ٤٨٨ مشابه همین روایت در كتاب الخصال ج ٢ ٤٩٣ المسوخ ثلاثة عشر صنفا ص: ٤٩٣

٣٠ علل الشرائع، ص ٤٨٩.

٣١ تفسير قمي، ج ١، ص ١٨١

٣٢ همان، ج ١، ص ١٩٠ و ١٩١.

٣٣ همان، ج ١، ص ٢٤٤.

شُرْعًا- وَيَوْمَ لَا يَسْتَوُونَ لَا تَأْتِيهِمْ فَنَاهُكُمْ عَلَمَاؤُهُمْ عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ يَنْتَهُوا فَمَسَّحُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ، وَكَانَتْ الْعِلَّةُ فِي تَحْرِيمِ الصَّيْدِ عَلَيْهِمْ يَوْمَ السَّبْتِ أَنْ عِيدَ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ وَغَيْرِهِمْ كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَخَالَفَتِ الْيَهُودُ وَقَالُوا عِيدَنَا يَوْمَ السَّبْتِ فَحَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ الصَّيْدَ يَوْمَ السَّبْتِ وَمَسَّحُوا قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ.^{٣٤}

مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ قَالَ ثُمَّ قَالَ ع يَا ابْنَ عَمِّ وَإِنَّ ذَلِكَ لَأَقْلَبُ صِرَارًا عَلَى الْإِسْلَامِ وَأَهْلِيهِ وَصَعَهُ قَوْمٌ انْتَحَلُوا مَوَدَّتَنَا وَرَعَمُوا أَنْتَهُمْ بَدِينُونَ بِمَوَالِينَا وَيَقُولُونَ بِإِمَامَتِنَا رَعَمُوا أَنَّ الْحُسَيْنَ ع لَمْ يَقْتُلْ وَأَنَّهُ شُبَّهَ لِلنَّاسِ أَمْرُهُ كَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ فَلَا لِأَيِّمَةٍ إِذْنَ عَلَى بَنِي أُمِّيَّةٍ وَلَا عَتَبَ عَلَى رَعْمِهِمْ يَا ابْنَ عَمِّ مَنْ رَعَمَ أَنَّ الْحُسَيْنَ ع لَمْ يَقْتُلْ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَعَلِيًّا وَكَذَّبَ مَنْ بَعْدَهُ الْأَيِّمَةَ ع فِي إِخْبَارِهِمْ بِقَتْلِهِ وَمَنْ كَذَّبَهُمْ فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَدَمُهُ مُبَاحٌ لِكُلِّ مَنْ سَمِعَ ذَلِكَ مِنْهُ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بِنُ الْفَضْلِ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا تَقُولُ فِي قَوْمٍ مِنْ شِيعَتِكَ يَقُولُونَ بِهِ فَقَالَ ع مَا هُوَ لِأَيِّمَةٍ مِنْ شِيعَتِي وَإِنِّي بَرِيءٌ مِنْهُمْ كَذَا وَكَذَا وَإِنَّا لَنَسْتَأْسَلُوا وَإِنَّ الْقِرْدَةَ الْيَوْمَ مِثْلُ أَوْلِيكَ وَكَذَلِكَ الْخَنَازِيرُ وَسَائِرُ الْمُسْخُوحِ مَا وَجَدَ مِنْهَا الْيَوْمَ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ مِثْلُهُ لَا يَجِلُّ أَنْ يُؤْكَلَ لِحْمُهُ ثُمَّ قَالَ ع لَعَنَ اللَّهُ الْغُلَاةَ وَالْمُفَوَّضَةَ فَإِنَّهُمْ صَعَرُوا عَصِيَانَ اللَّهِ وَكَفَرُوا بِهِ وَأَشْرَكُوا وَضَلُّوا وَأَضَلُّوا فِرَارًا مِنْ إِقَامَةِ الْفَرَائِضِ وَأَدَاءِ الْحُقُوقِ.^{٣٥}

وَعَنْهُ، عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، أَنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سُنِلَ عَنْ إِسَافٍ وَنَائِلَةَ وَعِبَادَةَ قُرَيْشٍ لَهُمَا، فَقَالَ: «نَعَمْ، كَانَا سَائِبَيْنِ صَبِيحَيْنِ، وَكَانَ بِأَحَدِهِمَا تَأْيِثٌ، وَكَانَا يَطُوفَانِ بِالْبَيْتِ، فَصَادَفَا مِنَ الْبَيْتِ خَلْوَةً، فَزَادَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَفَعَلَ، فَمَسَّخَهُمَا اللَّهُ حَجْرَيْنِ، فَقَالَتْ قُرَيْشٌ: لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَضِيَ أَنْ يُعْبَدَا مَعَهُ مَا حَوَّلَهُمَا عَنْ حَالِهِمَا»^{٣٦}.

٥٥- عن عبد الصمد بن برار قال: سمعت أبا الحسن ع يقول كانت القردة وهم اليهود الذين اعتدوا في السبت فمسخهم الله قرودا.^{٣٧}

فابتلاهم بمثل الذي ابتلى به بني آدم من الشهوة- ثم أمرهم أن لا يشركوا به شيئا ولا يقتلوا النفس التي حرّم الله، ولا يزنوا ولا يشربوا الخمر، ثم أهبطهما إلى الأرض فكانا يقضيان بين الناس- هذا في ناحية وهذا في ناحية، فكانا بذلك حتى أتت إحداهما هذه الكوكبة تخاصم إليه، وكانت من أجمل الناس فأعجبته فقال لها الحق لك- ولا أقضي لك حتى تمكيني من نفسك- فواعدت يوما ثم أتت الآخر- فلما خاصمت إليه وقعت في نفسه- وأعجبته كما أعجبت الآخر، فقال لها مثل مقالة صاحبه، فواعدته الساعة التي وعدت صاحبه- فاتفقا جميعا عندها في تلك الساعة، فاستحى كل واحد من صاحبه حيث رآه وطأ رءوسها ونكسا، ثم نزع الحياء منهما، فقال أحدهما لصاحبه: يا هذا جاءني الذي جاء بك، قال: ثم أعلمها وراودها عن نفسها- فأبت عليها حتى يسجدوا لوثنها ويشربا من شرابها، وأبى عليها وسألها فأبأت إلا أن يشربا من شرابها فلما شربا صليا لوثنها ودخل مسكين فرأهما، فقالت لهما: يخرج هذا فيخبر عنكما فقاما إليه فقتلاه، ثم راودها عن نفسها- فأبت حتى يخبرها بما يصعدان به إلى السماء- وكانا يقضيان بالنهار، فإذا كان الليل صعدا إلى السماء- فأبى عليها وأبت أن تفعل فأخبرها، فقالت ذلك لتجرب مقاتلتها وصعدت، فرعفا أبصارهما إليها- فرأيا أهل السماء مشرفين عليهما- ينظرون إليهما وتناهت إلى السماء، فمسخت ففهي الكوكبة التي ترى.^{٣٨}

٢٢٦- عن الفضيل بن يسار عن أبي الحسن ع قال إن الخنازير من قوم عيسى سألوا نزول المائدة، فلم يؤمنوا بها فمسخهم الله خنازير.^{٣٩}

٢٢٧- عن عبد الصمد بن بندار قال: سمعت أبا الحسن ع يقول كانت الخنازير قوم من القصارين، كذبوا بالمائدة فمسخوا خنازير.^{٤٠}

فإذا بجزية رافعة رأسها، فاتحة فاهها، فقال له أمير المؤمنين: من أنت الويل لك ولقومك فقالت: نحن من أهل القرية التي كانت حاضرة البحر إذ يقول الله في كتابه: «إِذْ تَأْتِيهِمْ حِينَتُهُمْ يَوْمَ سَبَّيْهِمْ شُرْعًا» الآية فعرض الله علينا ولا يتك فقعنا عنها فمسخنا الله، فبعضنا في البر وبعضنا في البحر، فأما الذين في البحر فنحن الجراري، وأما الذين في البر فالضرب واليربوع قال: ثم التفت أمير المؤمنين ع إلينا فقال: أسمعتم مقاتلتها قلنا: اللهم نعم، قال: والذي بعث محمدا بالنبوة- لتحيض كما تحيض نسائككم.^{٤١}

٣٥- عن ابن سنان عن أبي عبد الله ع سئل عن قول الله «أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ» قال: هم أعداء الله وهم يمسحون ويقذفون ويسحون في الأرض.^{٤٢}

٣- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْمَعْرُوفِ بِكَرْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خُدَاجِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو وَالثَّعْلَبِيِّ عَنْ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ قَالَتْ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي شُرْطَةِ الْحَمِيمِ وَمَعَهُ دِرَّةٌ لَهَا سَبَابَتَانِ يَضْرِبُ بِهَا بَيَاعِي الْجَرِيِّ وَالْمَازْمَاهِي وَالرُّمَّارَ وَيَقُولُ لَهُمْ يَا بَيَاعِي مُسْخُوحٌ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَجُنْدُ بَنِي مَرْوَانَ فَقَامَ إِلَيْهِ فَرَأْتُ بِنْتُ أَحْنَفَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا جُنْدُ بَنِي مَرْوَانَ قَالَ فَقَالَ لَهُ أَقْوَامٌ حَلَقُوا اللَّحَى وَفَقَلُّوا السُّوَارِبَ فَمَسَّحُوا فَلَمْ أَرِ نَاطِقًا أَحْسَنَ نَاطِقًا مِنْهُ ثُمَّ اتَّيَبْتُهُ فَلَمْ أَرِ أَقْفُو أَرْتُهُ حَتَّى قَعَدَ فِي رَحْبَةِ الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا دَلَالَةُ الْإِمَامَةِ يَرِحْمُكَ اللَّهُ قَالَتْ فَقَالَ اتَّيَبْتِي بِتِلْكَ الْحِصَاةِ وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى حِصَاةٍ فَاتَّيَبْتُ بِهَا فَطَبَعَ لِي فِيهَا بِحَاتِمِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا حَبَابَةَ إِذَا ادَّعَى مُدْعِ الْإِمَامَةَ فَفَدَّرْ أَنْ يَطْبَعَ كَمَا رَأَيْتَ فَاعْلَمِي أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ وَالْإِمَامُ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ شَيْءٌ يُرِيدُهُ قَالَتْ ثُمَّ انصرفت حتى قبض أمير المؤمنين ع فحجنت إلى الحسن ع وهو في مجلس أمير المؤمنين ع والناس يسألونه فقال يا حبابة الوالبيبة فقلت نعم يا مولاي فقال هاتي ما معك قال فأعطيتها فطبع فيها كما طبع أمير المؤمنين ع قالت ثم أتيت الحسين ع وهو في مسجد رسول الله ص فقرأت ورحبت ثم قال الخ^{٤٣}

يَا أَحَا كَلْبٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ- وَعَادًا وَتَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَفُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا أَفْتَسَّبُهَا أَنْتَ فَقُلْتُ لَا جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ لِي أَفْتَسَّبُ نَفْسَكَ قُلْتُ نَعَمْ أَنَا فَلَانَ بِنُ فَلَانَ حَتَّى إِذْ تَفَعْتُ فَقَالَ لِي قَفْ لَيْسَ حَيْثُ تَذَهَبُ وَيَحْكُ أَتَدْرِي مَنْ فَلَانَ بِنُ فَلَانَ قُلْتُ نَعَمْ فَلَانَ بِنُ فَلَانَ قَالَ إِنَّ فَلَانَ بِنُ فَلَانَ ابْنُ فَلَانَ الرَّاعِي الْكُرْدِيُّ إِنَّمَا كَانَ فَلَانَ الرَّاعِي الْكُرْدِيُّ عَلَى جَبَلٍ آلِ فَلَانَ

^{٣٤} همان، ج ٢، ص ٨٣ و ٨٤.

^{٣٥} علل الشرائع ج ١ ٢٢٧ باب العلة التي من أجلها صار يوم عاشوراء أعظم الأيام مصيبة ص: ٢٢٥

^{٣٦} قرب الاسناد (حديثه)، ص ٥٠

^{٣٧} تفسير العياشي ج ١ ٤٦ [سورة البقرة(٢): آية ٦٣] ص: ٤٥.

^{٣٨} تفسير العياشي ج ١ ٥٥ [سورة البقرة(٢): آية ١٠٢] ص: ٥٢.

^{٣٩} تفسير العياشي ج ١ ٣٥١ [سورة المائدة(٥): آية ١١٢] ص: ٣٥٠.

^{٤٠} تفسير العياشي ج ١ ٣٥١ [سورة المائدة(٥): آية ١١٢] ص: ٣٥٠.

^{٤١} تفسير العياشي ج ٢ ٣٥ [سورة الأعراف(٧): الآيات ١٦٣ إلى ١٦٥] ص: ٣٣.

^{٤٢} تفسير العياشي ج ٢ ٢٦١ [سورة النحل(١٦): الآيات ٤٥ إلى ٤٦] ص: ٢٦١.

^{٤٣} الكافي (ط - الإسلامية) ج ١ ٣٤٦ باب ما يفصل به بين دعوى المحق والمبطل في أمر الإمامة ص: ٣٤٣

فَنَزَلَ إِلَى فُلَانَةَ امْرَأَةَ فُلَانٍ مِنْ جَبَلِهِ الَّذِي كَانَ يَزْعَى غَنَمَهُ عَلَيْهِ فَأَطْعَمَهَا شَيْئاً وَغَشِيَهَا فَوَلَدَتْ فُلَاناً وَ فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ مِنْ فُلَانَةَ وَ فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ ثُمَّ قَالَ أَتَعْرِفُ هَذِهِ الْأَسْمَاءَ قُلْتُ لَا وَاللَّهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَكْتَفَ عَنْ هَذَا فَعَلْتُ فَقَالَ إِنَّمَا قُلْتُ فَقُلْتُ قُلْتُ إِنِّي لَا أَعُودُ قَالَ لَا تَعُودُ إِذَا وَ اسْأَلْ عَمَّا جِئْتَ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ طَالِقٌ عَدَدَ نَجُومِ السَّمَاءِ فَقَالَ وَيْحَكَ أَمَا تَقْرَأُ سُورَةَ الطَّلَاقِ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَافْرَأْ فَقَرَأَتْ - فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَ أَحْضُوا الْعِدَّةَ قَالَ أَتَزَى هَاهُنَا نَجُومَ السَّمَاءِ قُلْتُ لَا قُلْتُ فَرَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ طَالِقٌ ثَلَاثاً قَالَ تَرُدُّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ ص ثُمَّ قَالَ لَا طَلَاقَ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَاهِدَيْنِ مُتَّفِقَيْنِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي وَاحِدَةٌ ثُمَّ قَالَ سَلْ قُلْتُ مَا تَقُولُ فِي الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَرَدَّ اللَّهُ كُلَّ شَيْءٍ إِلَى شَيْبِهِ وَرَدَّ الْجِلْدَ إِلَى الْغَنَمِ فَتَرَى أَصْحَابَ الْمَسْحِ أَيْنَ يَذْهَبُ وَضُؤُهُمْ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي ثِنْتَانِ ثُمَّ التَّمَتَّ إِلَيَّ فَقَالَ سَلْ قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ أَكْلِ الْحِجْرِيِّ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَسَحَ طَائِفَةً مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَمَا أَخَذَ مِنْهُمْ بَحْرًا فَهُوَ الْحِجْرِيُّ وَ الْمَازِمَاهِي وَ الرَّمَازُ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ وَ مَا أَخَذَ مِنْهُمْ بَرًّا فَالْقِرْدَةُ وَ الْخَنَازِيرُ وَ الْوَبْرُ وَ الْوَزْكَ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي ثَلَاثٌ ثُمَّ التَّمَتَّ إِلَيَّ فَقَالَ سَلْ وَ قَمَّ فَقُلْتُ مَا تَقُولُ فِي النَّبِيِّ فَقَالَ حَلَالٌ فَقُلْتُ إِنَّا نَبِيٌّ فَتَطْرَحُ فِيهِ الْعَكَرُ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ وَ نَسْرَبُهُ فَقَالَ شَهْ شَهْ تِلْكَ الْحَمْرَةُ الْمُتَنَبِّئَةُ الْخ^{٤٤}

الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْكَلْبِيِّ النَّسَابَةِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحِجْرِيِّ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَسَحَ طَائِفَةً مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَمَا أَخَذَ مِنْهُمْ الْبَحْرَ فَهُوَ الْحِجْرِيُّ وَ الرَّمِيرُ وَ الْمَازِمَاهِي وَ مَا سِوَى ذَلِكَ وَ مَا أَخَذَ مِنْهُمْ الْبَرَّ فَالْقِرْدَةُ وَ الْخَنَازِيرُ وَ الْوَبْرُ وَ الْوَزْلُ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ^{٤٥}.

١٤- مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِ قَالَ: الْفَيْلُ مَسْحٌ كَانَ مَلِكاً زَنَاءً وَ الدُّنْبُ مَسْحٌ كَانَ أَعْرَابِيًّا دُبُونًا وَ الْأَرَنْبُ مَسْحٌ كَانَتْ امْرَأَةً تَحُونُ زَوْجَهَا وَ لَا تَغْتَسِلُ مِنْ حَيْضِهَا وَ الْوُطُوطُ مَسْحٌ كَانَ يَسْرِقُ ثُمُورَ النَّاسِ وَ الْقِرْدَةُ وَ الْخَنَازِيرُ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْتَدَوْا فِي السَّبْتِ وَ الْحِجْرِيُّ وَ الضَّبُّ فِرْقَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يُؤْمِنُوا حَيْثُ نَزَلَتْ الْمَائِدَةُ عَلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ع فَتَاهُوا فَوَقَعَتْ فِرْقَةٌ فِي الْبَحْرِ وَ فِرْقَةٌ فِي الْبَرِّ وَ الْفَارَةُ فِيهَا الْفَوْسِقَةُ وَ الْعَقْرَبُ كَانَ نَمَامًا وَ الدُّبُّ وَ الرَّبُورُ كَانَتْ لِحَامًا يَسْرِقُ فِي الْمِيرَانِ^{٤٦}.

١٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَاعِ قَالَ: الطَّائِسُ مَسْحٌ كَانَ رَجُلًا جَمِيلًا فَكَابَرَ امْرَأَةً رَجُلٌ مُؤْمِنٌ تَجِبُهُ فَوَقَعَ بِهَا ثُمَّ رَاسَلَتْهُ بَعْدَ فَمَسَحَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَائِسِينَ أَنْثَى وَ ذَكَرًا وَ لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ وَ لَا يَبِضُّهُ^{٤٧}.

١٠- مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَلَابِ فَقَالَ كُلُّ أَسْوَدٍ بَيْهِيمٍ وَ كُلُّ أَحْمَرَ بَيْهِيمٍ وَ كُلُّ أبيضٍ بَيْهِيمٍ فَذَلِكَ خَلْقٌ مِنَ الْكِلَابِ مِنَ الْجِنِّ وَ مَا كَانَ أَبْلَقَ فَهُوَ مَسْحٌ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ^{٤٨}.

١٥١- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَوْلِ تَعَالَى فَلَمَّا نَسُوا مَا ذَكَرُوا بِهِ أَنْجَبْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ قَالَ كَانُوا ثَلَاثَةً أَصْنَافٍ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ أَمَرُوا فَجَبَّوْا وَ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَمَسَحُوا ذَرًّا وَ صِنْفٌ لَمْ يَأْتَمِرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَهَلَكُوا^{٤٩}.

قَالَ وَ قَالَ أَبِي لَيْسَ يَمُوتُ مِنْ بَنِي أُمِّيَّةٍ مَيِّتٌ إِلَّا مَسِحٌ وَرَعَا قَالَ وَ قَالَ إِنَّ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنَ مَرْوَانَ لَمَّا نَزَلَ بِهِ الْمَوْتُ مَسِحٌ وَرَعَا فَدَهَبَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ مَنْ كَانَ عِنْدَهُ وَ كَانَ عِنْدَهُ وَلَدُهُ فَلَمَّا أَنْ فَقَدُوهُ عَظَمَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَدْرُوا كَيْفَ يَصْنَعُونَ ثُمَّ اجْتَمَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى أَنْ يَأْخُذُوا جِلْدًا يَصْنَعُونَهُ كَهَيْئَةِ^{٥٠}

وَ عَنْهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ زَيْدِ الْقُرَوَيْنِيِّ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي هَازُونَ الْمُكْفُوفِ عَنْ مَيْمِ التَّمَارِ عَنْ سَعْدِ الْعَلَّافِ، عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: جَاءَ نَفَرٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالُوا إِنَّ الْمُعْتَمِدَ يَزْعُمُ أَنَّكَ تَقُولُ إِنَّ هَذَا الْحِجْرِيُّ مَسْحٌ فَقَالَ مَكَانَكُمْ حَتَّى أَخْرَجَ إِلَيْكُمْ فَتَسْأَلُونَ تَوْبَهُ، ثُمَّ حَرَجَ إِلَيْهِمْ وَ مَضَى حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْفُرَاتِ بِالْكُوفَةِ فَصَاحَ يَا حِجْرِيُّ فَأَجَابَهُ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ، قَالَ: مَنْ أَنَا؟ قَالَ: أَنْتَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا مِمَّنْ عَرَضَتْ عَلَيْهِ وَ لَا يَنْتَكُ فَحَدَّثْتُهَا، وَ لَمْ أَقْبَلْهَا فَمَسَحْتُ حِجْرِيًّا، وَ بَعْضُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَانُوا مَعَكَ يُمَسِّحُونَ حِجْرِيًّا^{٥١}.

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَلْ مِنْ تَوْبَةٍ؟ فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لِلْأَجَلِ الْمَعْلُومِ وَ هُوَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ قَالَ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ: فَسَمِعْنَا وَ اللَّهُ مَا قَالَ ذَلِكَ الْحِجْرِيُّ وَ وَعَيْنَاهُ وَ كَتَبْنَاهُ وَ عَرَضْنَاهُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَصَحَّ وَ اللَّهُ لَنَا وَ مَسِحٌ مِنْ بَعْضِ الْقَوْمِ الَّذِينَ حَضَرُوا حِجْرِيًّا^{٥٢}.

قُلْنَا: بَلَى، قَالَ: وَ أَخَذَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدَ بِوَلَايَةِ وَصِيَّتِهِ وَ خَلِيفَتِهِ بَعْدِهِ وَ بَعْدَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فَسَكَنَّا فَلَمْ نَجِبْ بِالسَّنِينَا وَ قُلُوبِنَا وَ نِيَّاتِنَا لَا تَقْبَلُهَا، فَقَالَ: لَا أَوْ تَقُولُونَ بِالسَّنِينِكُمْ، فَقُلْنَا بِأَجْمَعِنَا بِالسَّنِينَا وَ قُلُوبِنَا وَ نِيَّاتِنَا لَا تَقْبَلُهَا، فَصَاحَ بِنَا صِيحَةً، وَ قَالَ لَنَا: كُونُوا بِإِذْنِ اللَّهِ مُسَوِّخًا، كُلُّ طَائِفَةٍ جِنْسًا، وَ يَا أَيُّهَا الْفَقَارُ كُونِي بِإِذْنِ اللَّهِ أَتَهَارًا وَ تَسْكُنُكَ هَذِهِ الْمُسُوخُ وَ تَتَّصِلُ بِحَارِ الدُّنْيَا وَ أَنْهَارِهَا حَتَّى لَا يَكُونَ مَاءٌ إِلَّا كَانُوا فِيهِ فَمَسَّحْنَا وَ نَحْنُ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ جِنْسًا فَصَاحَتْ اثْنَا عَشَرَ طَائِفَةً الْخ^{٥٣}

وقام آصف بن برخيا بأمر الله وأعطاه الله عز وجل من الاسم الأعظم حرفا وكان يرى المعجزات. وفي أيامه ملك «كشاسب» مائة وستا وعشرين سنة، وفي أربعة وثلاثين سنة من ملكه ظهر أمر «الهرابذة» و بنى مدينة بفارس سماها «نشا» و تسلط اليهود على نسل داود فقتلوا منهم مائة وعشرين نبيا وقتلوا من شيعة الأنبياء خلقا كثيرا فعند ذلك لعنهم الله باللعنة التي لعن بها ابليس

^{٤٤} الكافي (ط - الإسلامية) ج ١ ص ٣٥٠ باب ما يفصل به بين دعوى المحقق والمبطل في أمر الإمامة ص : ٣٤٣
^{٤٥} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ص ٢٢١ باب آخر منه ص : ٢١٩
^{٤٦} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ص ٢٤٦ باب جامع في الدواب التي لا تؤكل لحمها ص : ٢٤٣
^{٤٧} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ص ٢٤٧ باب جامع في الدواب التي لا تؤكل لحمها ص : ٢٤٣
^{٤٨} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ص ٥٥٣ باب الكلاب ص : ٥٥٢
^{٤٩} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٨ ص ١٥٨ حديث الذي أضاف رسول الله ص بالطائف ص : ١٥٥
^{٥٠} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٨ ص ٢٣٢ حديث القباب ص : ٢٣١
^{٥١} الهداية الكبرى ١٥٨ الباب الثاني باب أمير المؤمنين(عليه السلام)
^{٥٢} الهداية الكبرى / ١٥٩ / الباب الثاني باب أمير المؤمنين(عليه السلام)
^{٥٣} الهداية الكبرى / ١٥٨ / الباب الثاني باب أمير المؤمنين(عليه السلام)

و مسخهم قردة و خنازير و أنواعا شتى من المسوخ في البر و البحر و منهم الجري و المارماهي و الزمار على حسب ذنوبهم و كفرهم مسخ كل صنف و كان أمر الله مفعولا . و لما حضرت «أصف» الوفاة أوحى الله إليه أن يستودع نور الله و حكمته و جميع ما في يديه ابنه «صفورا» فدعا و سلم إليه التابوت و الوصية و مضى.^{٥٤}

در كتاب اختصاص بابي داريم با عنوان: المسوخ و سبب مسخها

إِذ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَسَخَ مِنْ بَنِي آدَمَ اثْنَيْ عَشَرَ جُزْءًا فَمَسَخَ مِنْهُمْ الْقِرْدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ السَّهْلَةَ وَ الزُّهْرَةَ وَ الْعُقْرَبَ وَ الْفِيلَ وَ الْجِرِّيَّ وَ هُوَ سَمَكٌ لَا يُؤْكَلُ وَ الدُّعْمُوصُ وَ الدُّبُّ وَ الصَّبُّ وَ الْعُنْكَبُوتُ وَ الْقُفْنَذُ قَالَ حَدِيثُهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ ص فَسَّرْنَا هَذَا كَيْفَ مَسُخُوا قَالَ نَعَمْ أَمَّا الْقِرْدَةُ فَمَسُخُوا لِأَنَّهُمْ اصْطَادُوا الْحَيَاتَانَ فِي السَّبْتِ عَلَى عَهْدِ دَاوُدَ النَّبِيِّ ع وَ أَمَّا الْخَنَازِيرُ فَمَسُخُوا لِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِالْمَائِدَةِ الَّتِي نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ع وَ أَمَّا السَّهْلَةُ فَمَسُخَ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا عَشَارًا فَمَرَّ بِهِ عَابِدٌ مِنْ عِبَادِ ذَلِكَ الزَّمَانِ فَقَالَ الْعَشَارُ ذَلْبِي عَلَى اسْمِ اللَّهِ الَّذِي يُمَسَّى بِهِ عَلَى الْمَاءِ وَ يُصْعَدُ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَذَلَّهُ عَلَى ذَلِكَ فَقَالَ الْعَشَارُ قَدْ يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ هَذَا الْاسْمَ أَنْ لَا يَكُونَ فِي الْأَرْضِ بَلْ يُصْعَدُ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ فَمَسَخَهُ اللَّهُ وَ جَعَلَهُ آيَةً لِلْعَالَمِينَ وَ أَمَّا الزُّهْرَةُ فَمَسُخَتْ لِأَنَّهَا هِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي افْتَنَّتْ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ الْمَلَائِكِينَ وَ أَمَّا الْعُقْرَبُ فَمَسُخَ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا نَمَامًا يَسْعَى بَيْنَ النَّاسِ بِالْتَمِيمَةِ وَ يُغْرِي بَيْنَهُمُ الْعِدَاةَ وَ أَمَّا الْفِيلُ فَإِنَّهُ كَانَ رَجُلًا جَمِيلًا فَمَسُخَ لِأَنَّهُ كَانَ يَنْكِحُ الْبَهَائِمَ الْبَقَرُ وَ الْغَنَمَ شَهْوَةً مِنْ دُونَ النَّسَاءِ وَ أَمَّا الْجِرِّيُّ فَمَسُخَ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا مِنَ التَّجَارِ وَ كَانَ يَبْحَسُ النَّاسَ بِالْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ وَ أَمَّا الدُّعْمُوصُ فَمَسُخَ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا إِذَا حَضَرَ النَّسَاءَ لَمْ يَغْتَسِلْ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ يَتْرُكُ الصَّلَاةَ فَجَعَلَ اللَّهُ قِرَارَهُ فِي الْمَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ جَزَعِهِ عَلَى الْبُرْدِ وَ أَمَّا الدُّبُّ فَمَسُخَ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا يَطْعَمُ الطَّرِيقَ لَا يَرْحَمُ غَنِيًّا وَ لَا فَقِيرًا إِلَّا سَلَبَهُ وَ أَمَّا الصَّبُّ فَمَسُخَ لِأَنَّهُ كَانَ رَجُلًا مِنَ الْأَعْرَابِ وَ كَانَتْ خِيَمَتُهُ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ وَ كَانَ إِذَا مَرَّتِ الْقَافِلَةُ يَقُولُ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ كَيْفَ تَأْخُذُ الطَّرِيقَ إِلَى كَذَا وَ كَذَا فَإِنِ ارْتَدَّ الْقَوْمُ الْمَشْرِقَ رَدَّهُمْ إِلَى الْمَغْرِبِ وَ إِنِ ارْتَدُّوا الْمَغْرِبَ رَدَّهُمْ إِلَى الْمَشْرِقِ وَ تَرَكَهُمْ يَهْمُونَ لَمْ يَرُشِدْهُمْ إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ وَ أَمَّا الْعُنْكَبُوتُ فَمَسُخَتْ لِأَنَّهَا كَانَتْ خَائِنَةً لِلْبُعْلِ وَ كَانَتْ تُمْكِرُ فَرْجَهَا سِوَاهُ وَ أَمَّا الْقُفْنَذُ فَإِنَّهُ كَانَ رَجُلًا مِنْ صَنَائِدِ الْعَرَبِ فَمَسُخَ لِأَنَّهُ كَانَ إِذَا نَزَلَ بِهِ الصَّيْفُ رَدَّ النَّبَابَ فِي وَجْهِهِ وَ يَقُولُ لِبَجَارِيَّتِهِ اخْرُجِي إِلَى الصَّيْفِ فَقُولِي لَهُ إِنَّ مَوْلَايَ غَائِبٌ عَنِ الْمَنْزِلِ فَيَبِيتُ الصَّيْفُ بِالْبَابِ جُوعًا وَ يَبِيتُ أَهْلُ الْبَيْتِ شَبَاعًا مُخْصِبِينَ.^{٥٥}

[مِنْ] الْمَلَائِكَةِ لَمَّا كَثُرَ عَصِيَانُ بَنِي آدَمَ وَ أَنْزَلَهُمَا مَعَ ثَالِثٍ لَهُمَا إِلَى دَارِ الدُّنْيَا وَ أَنْهَمَا افْتَنَّتَا بِالزُّهْرَةِ وَ أَرَادَا الزَّنَاءَ بِهَا وَ شَرِبَا الْخَمْرَ وَ قَتَلَا النَّفْسَ الْمُحَرَّمَةَ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُعَذِّبُهُمَا بِبَابِلَ وَ أَنَّ السَّحْرَةَ مِنْهُمَا يَتَعَلَّمُونَ السَّحْرَ وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَسَخَ تِلْكَ الْمَرْأَةَ هَذَا الْكُوكَبَ الَّذِي هُوَ الزُّهْرَةُ فَقَالَ الْإِمَامُ ع مَعَادَ اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ إِنَّ مَلَائِكَةَ اللَّهِ مَعْصُومُونَ مَحْفُوظُونَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْقَبَاحِ بِالطَّائِفِ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِمْ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَقُولُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ عِنْدَهُ يَعْنِي الْمَلَائِكَةَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ يَسْتَحْسِرُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَقْتُرُونَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ.^{٥٦}

٢- حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ الْقُرَشِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: سَمِعْتُ الْأَمَامُونَ يُسْأَلُ الرِّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى ع عَمَّا يَزُوه النَّاسُ مِنْ أَمْرِ الزُّهْرَةِ وَ أَنَّهَا كَانَتْ امْرَأَةً فَتِنَ بِهَا هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ مَا يَزُوْنَهُ مِنْ أَمْرِ سَهْلٍ أَنَّهُ كَانَ عَشَارًا بِالْيَمَنِ فَقَالَ الرِّضَا ع كَذَّبُوا فِي قَوْلِهِمْ إِنَّهُمَا كُوكَبَانِ وَ إِنَّمَا كَانَتَا ذَابْتَيْنِ مِنْ دَوَابِّ الْبَحْرِ فَعَلِطَ النَّاسُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمَا الْكُوكَبَانِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَمَسَّخَ أَعْدَاءَهُ أَنْوَارًا مُضِيئَةً ثُمَّ يَبْقِيهَا مَا بَقِيَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِنِ الْمُسُوخَ لَمْ يَبْقَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ حَتَّى مَاتَتْ وَ مَا تَنَاسَلُ مِنْهَا شَيْءٌ وَ مَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ الْيَوْمَ مَسُخٌ وَ إِنِ الَّتِي وَقَعَ عَلَيْهِ اسْمُ الْمُسُوخِيَّةِ مِثْلُ الْقِرْدِ وَ الْخَنَازِيرِ وَ الدُّبِّ وَ أَشْبَاهِهَا إِنَّمَا هِيَ مِثْلُ مَا مَسَخَ اللَّهُ عَلَى صُورِهَا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ بِأَنكَارِهِمْ تَوْجِيحَ اللَّهِ وَ تَكْذِيبِهِمْ رُسُلَهُ وَ أَمَّا هَارُوتَ وَ مَارُوتَ فَكَانَا مَلَائِكِينَ عَلِمَا النَّاسَ السَّحْرَ لِيَحْتَرِزُوا عَنْ سِحْرِ السَّحْرَةِ وَ يُبْطِلُوا بِهِ كَيْدَهُمْ وَ مَا عَلِمَا أَحَدًا مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا إِلَّا قَالَا لَهُ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَكَفَرَ قَوْمٌ بِاسْتِعْمَالِهِمْ لَمَّا امْرُؤًا بِالْإِحْتِرَازِ مِنْهُ وَ جَعَلُوا يُغْرِقُونَ بِمَا تَعَلَّمُوهُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا هُمْ بِضَارِبِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ يَعْنِي الْخ.^{٥٧}

الْكَيْسِ وَ كَانَ قَدْ مَلَكَ مِائَتَيْنِ وَ سِتًّا وَ سِتِّينَ سَنَةً فَفِي سَنَةِ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ مِنْ مَلِكِهِ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ع وَ اسْتَوْدَعَهُ النُّورَ وَ الْعِلْمَ وَ الْحِكْمَةَ وَ جَمِيعَ عُلُومِ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلَهُ وَ زَادَهُ الْإِنْجِيلَ وَ بَعَثَهُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِهِ وَ حِكْمَتِهِ وَ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ رُسُولِهِ فَأَبَى أَكْثَرُهُمْ إِلَّا طَغْيَانًا وَ كُفْرًا فَلَمَّا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ دَعَا رَبَّهُ وَ عَزَمَ عَلَيْهِ فَمَسَخَ مِنْهُمْ شَيْطَانِينَ لِيُرِيَهُمْ آيَةً فَيَعْتَبِرُوا فَلَمْ يَزِدْهُمْ ذَلِكَ إِلَّا طَغْيَانًا وَ كُفْرًا.^{٥٨}

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الدَّقَاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَلِيِّ مُحَمَّدَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ قَاسِمِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْمَعْرُوفِ بِزُرْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خُدَاجِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عُمَرَ الْخُنَعِيِّ عَنْ حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ قَالَتْ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي شُرْطَةِ الْخَمِيسِ وَ مَعَهُ دَرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا بِيَاعَ الْجِرِّيِّ وَ الْمَازَاهِي وَ الرَّمَارِ وَ الطَّافِي وَ يَقُولُ لَهُمْ يَا بِيَاعِي مَسُوخَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ جُنْدَ بَنِي مَرْوَانَ فَقَامَ إِلَيْهِ فَرَأَتْ بِنُ الْأَخْنَفِ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَا جُنْدُ بَنِي مَرْوَانَ قَالَتْ فَقَالَ لَهُ أَقْوَامٌ حَلَقُوا الْحَى وَ قَتَلُوا السُّوَارِبَ فَلَمْ أَرِ نَاطِقًا أَحْسَنَ نَطْقًا مِنْهُ ثُمَّ اتَّبَعْتُهُ فَلَمْ أَرِ أَفْقَرُ أَثَرَهُ حَتَّى قَعَدَ فِي رَحْبَةِ الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا دَلَالَةُ الْإِمَامَةِ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَالَ لِي ابْتِنِي بِتِلْكَ الْحَصَاةِ وَ أَسَارَ بِيَدِهِ إِلَى حَصَاةٍ فَأَتَيْتُهُ بِهَا فَطَبَعَ لِي فِيهَا بِخَاتَمِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا حَبَابَةَ إِذَا ادَّعَى مُدَّعِ الْإِمَامَةَ فَقَدَّرَ أَنْ يَطْبَعَ كَمَا رَأَيْتَ فَاعْلَمِي أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ وَ الْإِمَامُ لَا يَعْرُزُ عَنْهُ شَيْءٌ يُرِيدُهُ قَالَتْ ثُمَّ انْصَرَفْتُ حَتَّى قَبِضَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَجِئْتُ إِلَى الْحَسَنِ ع وَ هُوَ فِي مَجْلِسِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ فَقَالَ لِي يَا حَبَابَةَ الْوَالِيَّةِ فَقُلْتُ نَعَمْ يَا مَوْلَايَ فَقَالَ هَاتِي مَا مَعَكَ قُلْتُ فَأَعْطَيْتُهُ الْحَصَاةَ فَطَبَعَ لِي فِيهَا كَمَا طَبَعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع.^{٥٩}

^{٥٤} اثبات الوصية: ص ٧٦.

^{٥٥} الإختصاص النص ١٣٧ و ١٣٨ المسوخ و سبب مسخها ص: ١٣٦

^{٥٦} عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ١ ٢٦٩ باب ما جاء عن الرضا ع في هاروت و ماروت ص: ٢٦٦

^{٥٧} عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ١ ٢٧١ باب ما جاء عن الرضا ع في هاروت و ماروت ص: ٢٦٦

^{٥٨} كمال الدين و تمام النعمة ج ١ ٢٢٥ باب اتصال الوصية من لدن آدم ع و أن الأرض لا تخلو من حجة لله عز و جل على خلقه إلى يوم القيامة ص: ٢١١

^{٥٩} كمال الدين و تمام النعمة ج ٢ ٥٣٦ باب في سياق حديث حبابة الوالوية ص: ٥٣٦

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَتَمُنَعُنَّ مِنْ مَسَاجِدِكُمْ يَهُودِكُمْ وَ نَصَارَاتِكُمْ وَ صِبْيَانِكُمْ أَوْ لَيَمَسَّخَنَّكُمُ اللَّهُ قِرْدَةً أَوْ خَنَازِيرَ زُرْعَاءَ أَوْ سُجَدًا.^{٦٠}

يَا عِيسَى ذَلِّ لِأَهْلِ الْحَسَنَةِ وَ شَارِكُهُمْ فِيهَا وَ كُنْ عَلَيْهِمْ شَهِيداً وَ قُلْ لِظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَا أَخْدَانَ السَّوَاءِ وَ الْجُلَسَاءَ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ تَنْتَهُوا أَمْسَحُكُمْ قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ يَا عِيسَى قُلْ لِظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْحِكْمَةَ تَبْكِي فِرْقَانِي وَ أَنْتُمْ بِالصَّحاحِ تَهْجُرُونَ أَنْتُمْ بَرَاءَتِي أَمْ لَدَيْكُمْ أَمَانٌ مِنْ عَذَابِي أَمْ تَعْرِضُونَ لِعُقُوبَتِي فِي حَالِفْتُ لِأَنْتُمْ كُنْتُمْ مَثَلًا لِلْعَابِرِينَ ثُمَّ أَوْصِيكَ يَا ابْنَ مَرْيَمَ الْبِكْرَ الْبَتُولَ بِسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ حَبِيبِي فَهُوَ أَحْمَدُ صَاحِبُ الْجَمَلِ الْأَحْمَرِ وَ الْوَجْهَ الْأَقْمَرِ الْمُشْرِقِ بِالْبُورِ الطَّاهِرِ الْقَلْبِ الشَّدِيدِ النَّاسِ الْحَبِيبِ الْمُتَكْرَّمِ فَإِنَّهُ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ وَ سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ يَلْقَانِي أَكْرَمُ السَّابِقِينَ عَلَيَّ وَ أَقْرَبُ الْمُرْسَلِينَ مِنِّي الْعَرَبِيُّ الْأَمِينُ الدَّبَّانُ بَدِينِي الصَّابِرُ فِي ذَاتِي الْمَجَاهِدُ الْمُشْرِكِينَ بِيَدِهِ عَنْ دِينِي أَنْ تُخَيَّرَ بِهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ تَأْمُرُهُمْ أَنْ يُصَدِّقُوا بِهِ وَ أَنْ يُؤْمِنُوا بِهِ وَ أَنْ يَتَّبِعُوهُ وَ أَنْ يَنْصُرُوهُ قَالَ عِيسَى ع إِلَهِي مَنْ هُوَ حَتَّى أَرْضِيَهُ فَلَكَ الرِّضَا قَالَ هُوَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً أَقْرَبُهُمْ مِنِّي مَنْزِلَةً وَ أَحْضَرُهُمْ شَفَاعَةً طُوبَى لَهُ مِنْ نَبِيِّ وَ طُوبَى لِأُمَّتِهِ إِنْ هُمْ لَقُونِي عَلَى سَبِيلِهِ بِحَمْدِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ أَهْلُ السَّمَاءِ أَمِينٌ مَيِّمُونَ طَيِّبٌ مَطْيَبٌ خَيْرُ الْبَاقِينَ عِنْدِي يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِذَا خَرَجَ أَرْحَتِ السَّمَاءُ عَزَائِلَهَا وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ زَهْرَتَهَا حَتَّى يَرَوْا الْبَرَكَةَ وَ أَبَارِكُ لَهُمْ فِيمَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ كَثِيرٌ الْأَرْوَاحِ قَلِيلٌ الْأَوْلَادِ يَسْكُنُ بَكَّةً مَوْضِعَ أُسَاسِ إِبْرَاهِيمَ يَا عِيسَى دِينُهُ الْحَبِيبِيَّةُ وَ قَبْلَتُهُ يَمَانِيَّةٌ وَ هُوَ مِنْ جُرَيْبٍ وَ أَنَا مَعَهُ فَطُوبَى لَهُ ثُمَّ طُوبَى لَهُ لَهُ الْكُوْتَرُ وَ الْمَقَامُ الْأَكْبَرُ فِي جَنَاتِ عَدْنٍ يَعِيشُ أَكْرَمَ مَنْ عَاشَ وَ يُقْبَضُ شَهِيداً لَهُ حَوْضٌ أَكْبَرُ مِنْ بَكَّةَ إِلَى مَطْلَعِ الشَّمْسِ مِنْ رَجِيحٍ مَخْتَوِمٍ فِيهِ آيَةٌ مِثْلُ نُجُومِ السَّمَاءِ وَ أَكْوَابِ مِثْلِ مَدَرِ الْأَرْضِ عَذْبٌ فِيهِ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ وَ طَعْمٌ كُلُّ ثِمَارٍ فِي الْجَنَّةِ مَنْ شَرِبَ^{٦١}

مشابه همین روایت:

وَ قُلْ لِظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَا أَخْدَانَ السَّوَاءِ إِنْ لَمْ تَنْتَهُوا أَمْسَحُكُمْ قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ يَا عِيسَى^{٦٢}

وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ وَ الثَّلَاثُونَ فَإِنَّ النَّصَارَى ادَّعَوْا أَمْرًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ يَنْتَهِلْ فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ فَكَانَتْ نَفْسِي نَفْسَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ النِّسَاءَ فَاطِمَةَ ع وَ الْأَبْنَاءَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ثُمَّ نَدِمَ الْقَوْمُ فَسَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ ص الْإِعْفَاءَ فَاعْفَاهُمْ وَ الَّذِي أَنْزَلَ التَّوْرَةَ عَلَى مُوسَى وَ الْفُرْقَانَ عَلَى مُحَمَّدٍ ص لَوْ بَاهَلُونَا لَمُسَّخُوا قِرْدَةً وَ خَنَازِيرَ الْخِ^{٦٣}

تحقق مسخی ملکوتی تا قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

١٨١- سَئُلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الطَّبَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - سَتْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفْاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَّبِعِينَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قَالَ حَسَنٌ وَ مَسْخٌ وَ قَدْ قُلْتُ حَتَّى يَتَّبِعِينَ لَهُمْ قَالَ دَعَا ذَلِكَ قِيَامَ الْقَائِمِ^{٦٤}

وَ الْفِيءِ وَ قَدْ حَرَّمْنَا عَلَى جَمِيعِ النَّاسِ مَا خَلَا شِيعَتَنَا وَ اللَّهُ يَا أَبَا حَمْرَةَ مَا مِنْ أَرْضٍ تَفْتَحُ وَ لَا حُمْسٍ يُحْمَسُ فَيُضْرَبُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ إِلَّا كَانَ حَرَامًا عَلَى مَنْ يُصِيبُهُ فَرَجًا كَانَ أَوْ مَالًا وَ لَوْ قَدْ ظَهَرَ الْحَقُّ لَقَدْ بَعِثَ الرَّجُلَ الْكَرِيمَةَ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَيَمُنُ لَا يَزِيدُ حَتَّى إِنْ الرَّجُلُ مِنْهُمْ لَيَنْتَدِي بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ يَطْلُبُ النِّجَاةَ لِنَفْسِهِ فَلَا يَصِلُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ وَ قَدْ أَخْرَجُونَا وَ شِيعَتَنَا مِنْ حَقْنًا ذَلِكَ بِلَا عُدْرٍ وَ لَا حَقٍّ وَ لَا حِجَّةٍ قُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ - هَلْ تَرْتَبِصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ قَالَ إِذَا مَاتَ مَاتَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَوْ إِذْرَاكَ طُهِورٍ إِمَامٍ وَ نَحْنُ نَتَرَبِّصُ بِهِمْ مَعَ مَا نَحْنُ فِيهِ مِنَ الشَّدَّةِ أَنْ يُصِيبَهُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ قَالَ هُوَ الْمَسْخُ أَوْ بِأَيْدِينَا وَ هُوَ الْقَتْلُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ^{٦٥}

٥٧٥- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَتْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفْاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَّبِعِينَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قَالَ فِي أَنْفُسِهِمْ الْمَسْخُ وَ يَرِيهِمْ فِي الْأَفْاقِ الْإِتْقَانُ الْإِتْقَانُ الْإِتْقَانُ حَتَّى يَتَّبِعِينَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قَالَ خُرُوجَ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَرَاهِ الْخَلْقِ لَا بُدَّ مِنْهُ.^{٦٦}

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ هُوَ بَصِيرٌ قَالَ: سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ عَنِ تَفْسِيرِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - سَتْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفْاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَّبِعِينَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ فَقَالَ يَرِيهِمْ فِي الْأَفْاقِ الْإِتْقَانُ الْإِتْقَانُ الْإِتْقَانُ حَتَّى يَتَّبِعِينَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ قَالَ يَرُونَ قُدْرَةَ اللَّهِ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي الْأَفْاقِ وَ قَوْلِهِ حَتَّى يَتَّبِعِينَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ يَعْنِي بِذَلِكَ خُرُوجَ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرَاهُ هَذَا الْخَلْقُ لَا بُدَّ مِنْهُ.^{٦٧}

٤١- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِهْرَبَارَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - عَذَابُ الْخُرْزِيِّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ مَا هُوَ عَذَابٌ خُرْزِي الدُّنْيَا فَقَالَ وَ أَيُّ خُرْزِي أَخْرَى يَا أَبَا بصيرٍ مِنْ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ وَ جِجَالِهِ وَ عَلَى إِخْوَانِهِ وَسَطَ عِيَالِهِ إِذْ شَقَّ أَهْلُهُ الْجُبُوبَ عَلَيْهِ وَ صَرَّخُوا فَيَقُولُ النَّاسُ مَا هَذَا فَيَقَالُ مَسْخٌ فَلَانَ السَّاعَةَ فَقُلْتُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ ع أَوْ بَعْدَهُ قَالَ لَا بَلَّ قَبْلَهُ.^{٦٨}

الأصوات في المساجد و لبسوا الحرير و اتخذوا القينات و صرخوا بالمعازف و لعن آخر هذه الأمة أولها فليرتقب عند ذلك الريح الحمراء أو الحسف أو المسخ.^{٦٩}

^{٦٠} جعفریات: ص ٥١ و ص ١٠٠

^{٦١} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٨ ص ١٣٩ حديث عيسى ابن مريم ع ص: ١٣١

^{٦٢} تحف العقول النص ٤٩٩ مناجاة الله جل ثناؤه لعيسى ابن مريم ص

^{٦٣} الخصال ج ٢ ص ٥٧٦ لأمير المؤمنين ع سبعون منقبة لم يشركه فيها أحد من الأئمة ص: ٥٧٢

^{٦٤} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٨ ص ١٦٦ حديث الناس يوم القيامة ص: ١٥٩

^{٦٥} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٨ ص ٢٨٦ حديث نوح ع يوم القيامة ص: ٢٦٧

^{٦٦} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٨ ص ٣٨١ خطبة لأمير المؤمنين ع ص: ٣٦٠

^{٦٧} الغيبة (للنعماني) النص ٢٦٩ باب ١٤ ما جاء في العلامات التي تكون قبل قيام القائم ع و يدل على أن ظهوره يكون بعدها كما قالت الأئمة ع

^{٦٨} الغيبة (للنعماني) النص ٢٦٩ باب ١٤ ما جاء في العلامات التي تكون قبل قيام القائم ع و يدل على أن ظهوره يكون بعدها كما قالت الأئمة ع

٢- حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُدَكَّرَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يَحْيَى الْبِرَّازُ النَّيْسَابُورِيُّ فِيَمَا آجَارَهُ لَنَا قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُسَامٍ بْنِ عِمْرَانَ الْبَلْخِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا فَرَجُ بْنُ فَصَّالَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا عَمِلْتَ خَمْسَ عَشْرَةَ خِصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ قِيلَ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِذَا كَانَ الْمَغْنَمُ دُولًا وَ الْأَمَانَةُ مَغْنَمًا وَ الرِّكَاهُ مَغْرَمًا وَ أَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ عَقَى أُمَّهُ وَ بَرَّ صَدِيقَهُ وَ جَفَا أَبَاهُ وَ اِزْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ وَ كَانَ زَعِيمَ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَ صَرَبُوا بِالْمَعَارِفِ وَ لَعَنَ آخِرَ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا فَلْيَتَرَقَّبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحًا حَمْرَاءَ أَوْ حَسَفًا أَوْ مَسْحًا.^{٧٠}

وَ قَالَ ص إِذَا فَعَلْتَ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خِصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُنَّ قَالَ إِذَا أَحَذُوا الْمَغْنَمَ دُولًا وَ الْأَمَانَةَ مَغْنَمًا وَ الرِّكَاهُ مَغْرَمًا وَ أَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَ عَقَى أُمَّهُ وَ بَرَّ صَدِيقَهُ وَ جَفَا أَبَاهُ وَ اِزْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ وَ أَكْرَمَ الرَّجُلُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ كَانَ زَعِيمَ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ وَ إِذَا لَبَسَ الْحَرِيرُ وَ شَرِبَتِ الْحَمْرُ وَ اتَّخَذَ الْقِيَانُ وَ الْمَعَارِفُ وَ لَعَنَ آخِرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا فَلْيَتَرَقَّبُوا بَعْدَ ذَلِكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ رِيحًا حَمْرَاءَ وَ مَسْحًا وَ فَسْحًا.^{٧١}

تناسخ ملكوتي از نوع نفس انسانی به جماد

٥٤- حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ طَلْحَةَ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ قَالَ كَانُوا ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ أَمَرُوا فَتَجَرُوا وَ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَمَسَحُوا ذَرًّا وَ صِنْفٌ لَمْ يَأْتَمُرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَهَلَكُوا.^{٧٢}

٥ أبي رحمه الله عن محمد بن يحيى عن محمد بن أحمد عن السرياني أن بعض أهل المدائن كتب إلى أبي الحسن الماضي ع يسأله عن الصلاة على الزجاج قال فلما نفذ كتابي إليه فكرت فقلت هو مما أتتبت الأرض و ما كان لي أن أسأل عنه قال فكتبت لا تصل على الزجاج فإن حدثت نفسك أنه مما أتتبت الأرض فإنه مما أتتبت الأرض و لكنك من الرمل و الملح و هما ممسوخان.^{٧٣}

مشابه همين روایت:

وروى الحميري عن الحسن بن مصعب المدائني يسأله عن السجود على الزجاج قال: فلما نفذ كتابي حدثتني نفسي انه مما أتتبت الأرض و اتهم قالوا: لا بأس بالسجود على ما أتتبت. فورد الجواب: لا تسجد عليه فان حدثت نفسك انه مما أتتبت الأرض فحال فانه من الرمل و الملح؛ و الملح سيخ؛ و السبخ ارض ممسوخة.^{٧٤}

٢٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص عَنْ إِسَافٍ وَ نَائِلَةَ وَ عِبَادَةَ قُرَيْشٍ لَهُمَا فَقَالَ نَعَمْ كَانَا شَابِئِينَ صَبِيحِينَ وَ كَانَا بِأَحَدِهِمَا تَأْنِيثٌ وَ كَانَا يَطُوفَانِ بِالْبَيْتِ فَصَادَفَا مِنَ الْبَيْتِ خَلْوَةً فَأَزَادَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ ففَعَلَ فَمَسَحَهُمَا اللَّهُ فَقَالَتْ قُرَيْشٌ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ رَضِيَ أَنْ يُعْبَدَ هَذَا مَعَهُ مَا حَوَّاهُمَا عَنْ حَالِهِمَا.^{٧٥}

أحمد بن يحيى بن عمران يرفع الحديث قال: الذهب و الفضة حجران ممسوخان فمن أحبهما كان معهما.^{٧٦}

تناسخ ملكوتي اكثر ما لا يوكل لحمه و علت حرمت خوردن مسوخ

١ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بِإِسْنَادٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَعْرٍ وَ وَبَرٍ مَا لَا يُؤْكَلُ لِحْمُهُ لِأَنَّ أَكْثَرَهَا مُسُوحٌ.^{٧٧}

اعلم يرحمك الله أن الله تبارك و تعالی لم يبيح أكلًا و لا شربًا إلا لما فيه المنفعة و الصلاح و لم يحرم إلا ما فيه الضرر و التلثف و الفساد فكل نافع موقو للجسم فيه قوة للبدن فحلال و كل مضر يذهب بالقوة أو قاتل فحرام مثل السموم و الميته و الدم و لحم الخنزير و ذي ناب من السباع و مخلب من الطير و ما لا قابضة له منها و مثل البيض إذا استوى طرفاه و السمك الذي لا فلوس له فحرام كله إلا عند الضرورة و العلة في تحريم الجري و هو السلور و ما جرى مجراه من سائر المسوخ البرية و البحرية ما فيها من الضرر للجسم لأن الله تقدست آلاؤه مثل على صورها مسوخاً فأراد أن لا يستخف بمثله و الميته تورث الكلب و موت الفجأة و الآكلة.^{٧٨}

وَ عَنْهُ بِهِذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع هَلْ يَجِلُّ أكلُ لَحْمِ الْفِيلِ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ لِأَنَّهُ مُثَلَّةٌ وَ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ لَحُومَ الْأَنْسَاقِ وَ لُحُومَ مَا مُثِّلَ بِهِ فِي صُورِهَا.^{٧٩}

وَ أَمَّا لَحْمُ الْخَنزِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَسَحَ قَوْمًا فِي صُورِ شَيْءٍ شَبِهَ الْخَنزِيرَ وَ الدُّبَّ وَ الْقِرْدَ وَ مَا كَانَ مِنَ الْأَنْسَاقِ ثُمَّ نَهَى عَنْ أَكْلِهَا وَ أَكَلِ شَبِهَا لِكَيْ لَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَ لَا يُسْتَحَفَّ بِعُقُوبَتِهِ.^{٨٠}

و مشابه متن محاسن در کافی چنین است:

^{٦٩} الخصال ج ٢ ٥٠١ إذا عملت الأمة خمس عشرة خصلة حل بها البلاء ص: ٥٠٠

^{٧٠} الخصال ج ٢ ٥٠١ إذا عملت الأمة خمس عشرة خصلة حل بها البلاء ص: ٥٠٠

^{٧١} تحف العقول النص ٥٣ وروي عنه ص في قصار هذه المعاني ص: ٣٥

^{٧٢} الخصال ج ١ ١٠٠ الذين نسوا ما ذكروا به ثلاثة أصناف ص: ١٠٠

^{٧٣} علل الشرائع ج ٢ ٣٤٢ باب العلة التي من أجلها لا يجوز السجود إلا على الأرض أو على ما أتتبت الأرض إلا ما أكل أو لبس ص: ٣٤١

^{٧٤} اثبات الوصية، ص ٢٣١

^{٧٥} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٤ ٥٤٦ باب النوادر ص: ٥٤٠

^{٧٦} الخصال ج ١ ٤٤ الذهب و الفضة حجران ممسوخان ص: ٤٣

^{٧٧} علل الشرائع ج ٢ ٣٤٢ باب العلة التي من أجلها لا يجوز للرجل أن يصلي في شعر و وير ما لم يوكل لحمه ص: ٣٤٢

^{٧٨} فقه الرضا عليه السلام، ص ٢٥٤.

^{٧٩} محاسن، ج ٢، ص ٣١١.

^{٨٠} همان، ج ٢، ص ٣٣٤

الْخُلُقُ وَ يُوْرُثُ الْكَلْبَ وَ الْقَسْوَةَ فِي الْقَلْبِ وَ قَلَّةَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةَ حَتَّى لَا يُؤْمَنَ أَنْ يُقْتَلَ وَ لَدَيْهِ وَ لَا يُؤْمَنَ عَلَى حَمِيمِهِ وَ لَا يُؤْمَنَ عَلَى مَنْ يَصْحَبُهُ وَ أَمَّا لَحْمُ الْخِنْزِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَسَخَ قَوْمًا فِي صَوْرَةِ شَيْءٍ شَبِهَ الْخِنْزِيرَ وَ الْقِرْدَ وَ الدَّبَّ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُسُوْخِ ثُمَّ نَهَى عَنْ أَكْلِهِ لِلْمَثَلَةِ لِكَيْلَا يَنْتَفِعَ النَّاسُ بِهَا وَ لَا يُسْتَحَفَّ بِعُقُوْبَتِهَا وَ أَمَّا الْخَمْرُ فَإِنَّهُ حَرَّمَهَا لِغَلْبِهَا وَ لِفَسَادِهَا وَ قَالَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَ تَنْوَرُهُ الْإِتْعَاشُ وَ تَذْهَبُ بِنُورِهِ وَ تَهْدِمُ مُرُوْتَهُ وَ تَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْسُرَ عَلَى الْمَحَارِمِ مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ وَ رُكُوْبِ الزَّنَا فَلَا يُؤْمَنُ إِذَا سَكِرَ أَنْ يَتَّبَعَ عَلَى حَرَمِهِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ ذَلِكَ وَ الْخَمْرُ لَا يَزِدَادُ شَارِبُهَا إِلَّا كُلَّ سُوءٍ.^{٨١}

و نيز مشابه آن در كتاب اختصاص:

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ ع لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَحَلَّ لَهُمْ مَا سِوَاهُ مِنْ رَغْبَةٍ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَ لَا رَهْبَةٍ فِيمَا أَحَلَّ لَهُمْ وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ وَ عَلَّمَ مَا تَقُوْمُ بِهِ أَبْدَانُهُمْ وَ مَا يَصْلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَ أَبَاحَهُ لَهُمْ تَفَضُّلاً مِنْهُ عَلَيْهِمْ لِمَصْلَحَتِهِمْ وَ عَلَّمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَتَهَاوَمَ عَنْهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ أَبَاحَهُ لِلْمُضْطَرِّ وَ أَحَلَّهُ لَهُ فِي الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَقُوْمُ بَدَنُهُ إِلَّا بِهِ فَأَمَرَ أَنْ يَتَالَ مِنْهُ بِقَدْرِ الْبُلْغَةِ لَا غَيْرَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ أَمَّا الْمَيْتَةُ فَإِنَّهَا لَا يَدْنُو مِنْهَا أَحَدٌ وَ لَا يَأْكُلُ إِلَّا ضَعْفَ بَدَنِهِ وَ نَحَلَ جِسْمَهُ وَ ذَهَبَتْ قُوْتُهُ وَ انْقَطَعَ نَسْلُهُ وَ لَا يَمُوْتُ إِلَّا فِجَاءً وَ أَمَّا الدَّمُ فَإِنَّهُ يُوْرُثُ أَكْلَهُ الْمَاءَ الْأَصْفَرَ وَ يَبْحُرُ الْفَمَ وَ يَنْتِنُ الرَّيْحَ وَ يُسِيئُ الْخُلُقَ وَ يُوْرُثُ الْكَلْبَ وَ الْقَسْوَةَ لِلْقَلْبِ وَ قَلَّةَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةَ حَتَّى لَا يُؤْمَنَ أَنْ يُقْتَلَ وَ لَدَيْهِ وَ وَالِدَيْهِ وَ لَا يُؤْمَنَ عَلَى حَمِيمِهِ وَ عَلَى مَنْ صَحَبَهُ وَ أَمَّا لَحْمُ الْخِنْزِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ مَسَخَ قَوْمًا فِي صَوْرَةِ شَيْءٍ شَبِهَ الْخِنْزِيرَ وَ الْقِرْدَ وَ الدَّبَّ وَ كَانَ مِنَ الْأَمْسَاحِ ثُمَّ نَهَى عَنْ أَكْلِ مِثْلِهِ لِكَيْ لَا يَنْتَفِعَ بِهَا وَ لَا يُسْتَحَفَّ بِعُقُوْبَتِهِ.^{٨٢}

و مشابه آن در فقه:

فِي الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَقُوْمُ بَدَنُهُ إِلَّا بِهِ فَأَمَرَ أَنْ يَتَالَ مِنْهُ بِقَدْرِ الْبُلْغَةِ لَا غَيْرَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ وَ أَمَّا الْمَيْتَةُ فَإِنَّهُ لَمْ يَنْهَ أَحَدٌ مِنْهَا إِلَّا ضَعْفَ بَدَنِهِ وَ وَهَنْتَ قُوْتُهُ وَ انْقَطَعَ نَسْلُهُ وَ لَا يَمُوْتُ أَكْبَلُ الْمَيْتَةَ إِلَّا فِجَاءً وَ أَمَّا الدَّمُ فَإِنَّهُ يُوْرُثُ أَكْلَهُ الْمَاءَ الْأَصْفَرَ وَ يُوْرُثُ الْكَلْبَ وَ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَ قِلَّةَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةَ حَتَّى لَا يُؤْمَنَ عَلَى حَمِيمِهِ وَ لَا يُؤْمَنَ عَلَى مَنْ صَحَبَهُ وَ أَمَّا لَحْمُ الْخِنْزِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَسَخَ قَوْمًا فِي صَوْرَةِ شَيْءٍ مِثْلِ الْخِنْزِيرِ وَ الْقِرْدِ وَ الدَّبِّ ثُمَّ نَهَى عَنْ أَكْلِ الْمَثَلَةِ لِنَاءِ يَنْتَفِعَ بِهَا وَ لَا يُسْتَحَفَّ بِعُقُوْبَتِهَا وَ أَمَّا الْخَمْرُ فَإِنَّهُ حَرَّمَهَا لِغَلْبِهَا وَ فِسَادِهَا ثُمَّ قَالَ إِنَّ مُدْمِنَ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَ تَنْوَرُهُ الْإِتْعَاشُ وَ يَهْدِمُ مُرُوْتَهُ وَ يَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْسُرَ عَلَى الْمَحَارِمِ مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ وَ رُكُوْبِ الزَّنَا حَتَّى لَا يُؤْمَنَ إِذَا سَكِرَ أَنْ يَتَّبَعَ عَلَى حَرَمِهِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ ذَلِكَ وَ الْخَمْرُ لَا يَزِيدُ شَارِبَهَا إِلَّا كُلَّ شَرٍّ.^{٨٣}

١٠٦ وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَ عَنِ الْفِيلِ هَلْ يَجِلُّ أَكْلُهُ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهُ مُتَلَّةٌ وَ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ لُحُومَ الْأَمْسَاحِ وَ لُحُومَ مَا مِثَّلَ بِهِ فِي صَوْرَتِهَا.^{٨٤}

٤٦٩ عَنْهُ عَنِ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ الطَّبْرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَ أَيْجَلُ لَحْمِ الْفِيلِ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ لِأَنَّهُ مُتَلَّةٌ وَ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ الْأَمْسَاحَ وَ لَحْمَ مَا مِثَّلَ بِهِ فِي صَوْرَتِهَا.^{٨٥}

مشابه همین متن در کافی:

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ يَعْنِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَ أَيْجَلُ لَحْمِ الْفِيلِ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ وَ لِمَ قَالَ عَ لِأَنَّهُ مُتَلَّةٌ وَ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْأَمْسَاحَ وَ لَحْمَ مَا مِثَّلَ بِهِ فِي صَوْرَتِهَا.^{٨٦}

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَكْلِ الضَّبِّ فَقَالَ إِنَّ الضَّبَّ وَ الْفَأْرَةَ وَ الْقِرْدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ مُسُوْخٌ.^{٨٧}

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنِ أَبِي سَهْلٍ الْقُرَشِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ لَحْمِ الْكَلْبِ فَقَالَ هُوَ مَسْخٌ قُلْتُ هُوَ حَرَامٌ قَالَ هُوَ نَجَسٌ أُعِيدَ عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ هُوَ نَجَسٌ.^{٨٨}

- عن محمد بن عبد الله عن بعض أصحابه قال قلت لأبي عبد الله ع جعلت فداك لم حرم الله الميتة والدم ولحم الخنزير فقال: إن الله تبارك وتعالى لم يحرم ذلك عباده، وأحل لهم ما سواه من رغبة منه تبارك وتعالى فيما حرم عليهم ولا زهد فيما أحل لهم لكنه خلق الخلق وعلم ما يقوم به أبدانهم وما يصلحهم فأحله وأباحه تفضلاً منه عليهم لمصلحتهم، وعلم ما يضرهم فنهاهم عنه حرمه عليهم ثم أباحه للمضطر، وأحل لهم في الوقت الذي لا يقوم بدنه إلا به، فأمره أن يتناول منه بقدر البلغة لا غير ذلك، ثم قال: أما الميتة فإنه لا يدنو منها أحد ولا يأكلها إلا ضعف بدنه ونحل جسمه وهنت قوته وانقطع نسله، ولا يموت أكل الميتة إلا فجأة، وأما الدم فإنه يورث الكلب والقسوة للقلب وقلة الرأفة والرحمة لا يؤمن أن يقتل ولده والديه ولا يؤمن على حميم ولا يؤمن على من صحبه، وأما لحم الخنزير فإن الله مسح قوماً في صورة شيء شبه الخنزير والقرد والذب وما كان من الأمساح، ثم نهى عن أكل مثله لكي لا ينفع بها ولا يستخف بعقوبته، وأما الخمر فإنه حرمها لغلبيتها وفسادها وقال: إن مدمن الخمر كعابد وثن، ويورثه ارتعاشاً ويذهب بنوره ويهدم مروته، ويحمله على أن يكسب على المحارم من سفك الدماء وركوب الزنا، ولا يؤمن إذا سكر أن يتب على حرمه وهو لا يعقل ذلك والخمر لم يرد شاربها إلا إلى كل شر.^{٨٩}

^{٨١} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ٢٤٣ باب علل التحريم ص: ٢٤٢

^{٨٢} الإختصاص النص ١٠٣ أحاديث الأئمة ع في مواضع متنوعة ص: ١٠٢

^{٨٣} من لا يحضره الفقيه ج ٣ ٣٤٦ باب الصيد والذبائح ص: ٣١٤

^{٨٤} همان، ج ٢، ص ٣٣٥.

^{٨٥} ج ٢، ص ٤٧٢.

^{٨٦} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ٢٤٥ باب جامع في الدواب التي لا تؤكل لحمها ص: ٢٤٣

^{٨٧} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ٢٤٥ باب جامع في الدواب التي لا تؤكل لحمها ص: ٢٤٣

^{٨٨} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ٢٤٥ باب جامع في الدواب التي لا تؤكل لحمها ص: ٢٤٣

^{٨٩} تفسير العياشي ج ١ ٢٩١ [سورة المائدة (٥): آية ٣] ص: ٢٩١

١- علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن محبوب عن سماعة بن مهران قال: سألت أبا عبد الله ع عن المأكول من الطير والوحش فقال حرم رسول الله ص كل ذي مخلب من الطير وكل ذي ناب من الوحش فقلت إن الناس يقولون من السبع فقال لي يا سماعة السبع كله حرام وإن كان سباعاً لا ناب له وإنما قال رسول الله ص هذا تفصيلاً وحرم الله عز وجل ورسوله ص المسوخ جميعها فكل الأن من طير البر ما كانت له حوصلة ومن طير الماء ما كان له قابضة كقابضة الحمام لا معدة كمعدة الإنسان وكل ما صف وهو ذو مخلب فهو حرام والصفيف كما يطير البازي والصفير والجدأة وما أشبه ذلك وكل ما دف فهو حلال والحوصلة والقابضة يمتحن بها من الطير ما لا يعرف طيرانه وكل طير مجهول.^{٩٠}

وروي عن الحسين بن اسماعيل شيخ من أهل النهرين قال: خرجت وأهل قريتي إلى أبي الحسن عليه السلام بشيء كان معنا وكان بعض أهل القرية قد حملنا رسالة ودفع إلينا ما أوصلناه وقال تفرءونه مني السلام وتسالونه عن بيض الطائر الفلاني من طيور الآجام هل يجوز أكله أم لا؟ فسلمناه ما كان معنا إلى خازنه وأتاه رسول السلطان فنهض ليركب وخرجنا من عنده ولم نسأله عن شيء. فلما صرنا في الشارع لحقنا عليه السلام فقال لرفيقي بالنبطية: وقرأ فلانا السلام وقل له: بيض الطائر الفلاني لا تأكله فإنه من الممسوخ.^{٩١}

٤١٩٨- وروي أن المسوخ لم يتبق أكثر من ثلاثة أيام فإن هذبه مثل بها فهى الله عز وجل عن أكلها.^{٩٢}

مسخ ملكوتي ٧٠٠ امت

سمعت رسول الله ص يقول الكوفة جُمُعة العرب ورمح الله تبارك وتعالى وكنت الإيمان فخذ عنهم أخبرك [عن] رسول الله ص أنه مكث بمكة يوماً وليلة بذي طوى ثم خرج وخرجت معه فمررتنا برفقة جلوس يتعدون فقالوا يا رسول الله الغداء فقال لهم أفرجوا لبيكم فجلس بين رجلين وجلست وتناولت رغيفاً فصعد نصفه ثم نظر إلى أدمهم فقال ما أدمكم قالوا الجري يا رسول الله فرمى بالكسرة من يده وقام قال أبو سعيد- وتخلفت بعده لأنظر ما رأى الناس فاختلف الناس فيما بينهم فقالت طائفة حرم رسول الله ص الجري وقالت طائفة لم يحرمه ولكن عافه ولو كان حرمه نهانا عن أكله قال فحفظت مقالة القوم وتبع رسول الله ص حتى لحقته ثم غشياً رقيقة أخرى يتعدون فقالوا يا رسول الله الغداء فقال نعم أفرجوا لبيكم فجلس بين رجلين وجلست فلما تناولت كسرة نظرت إلى أدمهم فقال ما أدمكم هذا قالوا صب يا رسول الله فرمى الكسرة وقام قال أبو سعيد فتخلفت بعده فإذا بالناس فرقتان قالت فرقة حرم رسول الله ص الجري فمن هناك لم يأكله وتناولت فرقة أخرى إنما عافه ولو حرمه لنهانا عنه ثم قال تبع رسول الله ص حتى لحقته فمررتنا بأصل الصفا وفيها قدور تغلي فقالوا يا رسول الله لو تكرمت علينا حتى تترك قدورنا قال لهم ما في قدوركم قالوا حمر لنا نركبها فقامت فذبحنها فدنا رسول الله ص من القدور فأكفأها برجله ثم انطلق جواداً وتخلفت بعده فقال بعضهم حرم رسول الله ص لحم الحميم وقال بعضهم كلاً إنما أفرغ قدوركم حتى لا تعودوا فتذبحوا دوابكم قال أبو سعيد ادع بلالاً قال يا بلال اصعد أبا قبيس فناد عليه أن رسول الله ص حرم الجري والصب والحمير الأهلية ألا فاتقوا الله ولا تأكلوا من السمك إلا ما كان له قشر ومع القشر فلو إن الله تبارك وتعالى مسح سبعمائة أمة بعد الرسل فأخذ أربعمائة أمة منهم براً وثلاثمائة أمة منهم بحراً ثم تلا هذه الآية^{٩٣}

مشابه همين روایت در کافی:

الجري والصب والحمير الأهلية لم يحرمه ولكن عافه فلو كان حرمه لنهانا عن أكله قال فحفظت مقالتهم وتبع رسول الله ص جواداً حتى لحقته ثم غشياً رقيقة أخرى يتعدون فقالوا يا رسول الله الغداء فقال نعم أفرجوا لبيكم فجلس بين رجلين وجلست معه فلما أتت قدورهم نظرت إلى أدم القوم فقال ما أدمكم هذا قالوا صب يا رسول الله فرمى بالكسرة وقام قال أبو سعيد فتخلفت بعد فإذا بالناس فرقتان فقالت فرقة حرم رسول الله ص الجري فمن هناك لم يأكله وقالت فرقة أخرى إنما عافه ولو حرمه لنهانا عن أكله ثم تبع رسول الله ص حتى لحقته فمررتنا بأصل الصفا وبها قدور تغلي فقالوا يا رسول الله لو عرجت علينا حتى تترك قدورنا فقال لهم وما في قدوركم فقالوا حمر لنا كذا نركبها فقامت فذبحنها فدنا رسول الله ص من القدور فأكفأها برجله ثم انطلق جواداً وتخلفت بعده فقال بعضهم حرم رسول الله ص لحم الحميم وقال بعضهم كلاً إنما أفرغ قدوركم حتى لا تعودوا فتذبحوا دوابكم قال أبو سعيد فبعث رسول الله ص إلي فلما حنته قال يا أبا سعيد ادع لي بلالاً فلما حنته بلال قال يا بلال اصعد أبا قبيس فناد عليه أن رسول الله ص حرم الجري والصب والحمير الأهلية ألا فاتقوا الله جل وعز ولا تأكلوا من السمك إلا ما كان له قشر ومع القشر فلو إن الله تبارك وتعالى مسح سبعمائة أمة بعد الرسل فأخذ أربعمائة منهم براً وثلاثمائة بحراً ثم تلا هذه الآية- فجعلناهم أحاديث ومرقناهم كل مرقق.^{٩٤}

مسخ بودن برخی از حیوانات مثل سوسمار و حیوانات دارای حیض ...

در بابهای دیگر روایاتی هستند که بتوان از آنها مسخ بودن حیوانات را استفاده کرد ولی در این باب صرفاً روایاتی را آوردم که تنها مطلبی که از آنها میتوان استفاده کرد همین است و بس. در ضمن مراد از روایات این باب بر اساس سایر روایات، حیواناتی است که اقوامی به شکل آنها تناسخ ملکوتی همرا با تغییر ظاهر داشته اند.

١ حدثننا علي بن أحمد بهذا الإسناد أن الرضاع كتب إلى محمد بن سنان حرم سباع الطير والوحش كلها لأكلها من الجيب ولحم الناس والعدرة وما أشبه ذلك فجعل الله عز وجل دلائل ما أحل من الوحش والطيور وما حرم كما قال أبي ع كل ذي ناب من السباع وذي مخلب من الطير حرام وكل ما كان له قابضة من الطير فحلال وعلة أخرى تفرق بين ما أحل من الطير وما حرم قوله كل ما دف ولا تأكل ما صف وحرم الأرنب لأنها بمنزلة السنور ولها مخالب كمخالب السنور وسباع الوحش فحرت مجراها في قدرها في نفسها وما يكون منها من الدم كما يكون من النساء لأنها مسخ.^{٩٥}

و مصى أمير المؤمنين حتى إذا صار بالمدينين وخرج القوم إلى الخندق وذهبوا ومعهم سفرة بسطوا في الموضع وجلسوا يشربون الخمر فمر بهم صب فأمروا علمانهم فصادوه لهم وأنوهم به فخلعوا أمير المؤمنين وبيعوا الصب وبسطوا يده، وقالوا له: أنت والله إمامنا ما بيعتنا لك ولعلي بن أبي طالب إلا واحدة، وإنك لأحب إلينا منه، فكان ما قال أمير المؤمنين (عليه السلام)، وكانوا كما قال الله عز وجل بس للظالمين بدلًا ثم لحقوا به فقال لهم لَمَا وَرَدُوا عَلَيْهِ: فَعَلْتُمْ يَا أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ وَأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَخْبَرْتُمْ بِهِ، فَقَالُوا: يَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا فَعَلْنَا، وَقَالَ: وَ

^{٩٠} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ٢٤٧ باب آخر منه وفيه ما يعرف به ما يؤكل من الطير وما لا يؤكل ص: ٢٤٧

^{٩١} إثبات الوصية، ص ٢٣٨ و ٢٣٩

^{٩٢} من لا يحضره الفقيه ج ٣ ٣٣٧ باب الصيد والذبائح ص: ٣١٤

^{٩٣} علل الشرائع ج ٢ ٤٦١ ٢٢٢ باب النوادر ص: ٤٦٠

^{٩٤} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٦ ٢٤٤ باب جامع في الدواب التي لا تؤكل لحمها ص: ٢٤٣

^{٩٥} علل الشرائع ج ٢ ٤٨٢ ٢٣٥ باب علة تحريم سباع الطير والوحش ص: ٤٨٢

اللَّهُ إِنَّ بَيْعَتَكُمْ مَعَ إِمَائِكُمْ، قَالُوا قَدْ أَفْلَحْنَا إِذْ بَايَعْنَا اللَّهَ مَعَكَ، قَالَ: وَ كَيْفَ تَكُونُونَ مَعِي، وَ قَدْ خَلَعْتُمُونِي وَ بَايَعْتُمُ الصَّبَّ؟ وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ الصَّبُّ يَسُوقُكُمْ إِلَى النَّارِ، فَحَلَفُوا بِاللَّهِ إِنَّا مَا فَعَلْنَا، وَ لَا خَلَعْنَاكَ وَ لَا بَايَعْنَا الصَّبَّ فَلَمَّا رَأَوْهُ كَذَّبَهُمْ وَ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ، فَأَقْرَأُوهُ لَهْ وَ قَالُوا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا قَالَ لَهُمْ وَ اللَّهُ لَا غَفْرَتَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اخْتَرْتُمْ مَسْخَاً مَسَخَهُ اللَّهُ، وَ جَعَلَهُ آيَةً لِلْعَالَمِينَ، فَكَذَّبْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ قَدْ حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ قَالَ: وَ لِيْلَ لِمَنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ حَصْمَهُ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهَا السَّلَامُ).^{٩٦}

كلمات حيواناتي كه مسخ شدگان به صورت آنهاست

در كتاب بصائر الدرجات، بابي داريم با عنوان: ١٦ باب الأئمة أنهم يعرفون منطق المسوخ و يعرفونهم^{٩٧}

١- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ كَرَامِ بْنِ كَرَامٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْوَرَعِ فَقَالَ هُوَ رَجَسٌ وَ هُوَ مَسْخٌ وَ إِذَا قَتَلْتَهُ فَاعْتَسَلْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَبِي كَانَ قَاعِدًا فِي الْحِجْرِ وَ مَعَهُ رَجُلٌ يُحَدِّثُهُ فَإِذَا وَرَعَ يُؤَلِّوهُ بِلِسَانِهِ فَقَالَ أَبِي لِلرَّجُلِ أَ تَدْرِي مَا يَقُولُ هَذَا الْوَرَعُ فَقَالَ الرَّجُلُ لَا عِلْمَ لِي بِمَا يَقُولُ قَالَ فَإِنَّهُ يَقُولُ وَ اللَّهُ لَئِنْ ذَكَرْتَ عُثْمَانَ لَأَسْبِنَّ عَلِيًّا عَ أَبَدًا حَتَّى تَقُومَ مِنْ هَاهُنَا.

٢- حَدَّثَنَا الْحَجَّالُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّؤْلُؤِيِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ فَضِيلِ الْأَعْوَرِ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ: كَانَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ هَذِهِ الْعِصَابَةِ يُحَادِّثُهُ فِي شَيْءٍ مِنْ ذِكْرِ عُثْمَانَ فَإِذَا وَرَعَ قَدْ قَرَقَرَ مِنْ فَوْقِ الْحَائِطِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ أَ تَدْرِي مَا يَقُولُ قُلْتُ لَا قَالَ يَقُولُ لَتَكْفُرَنَّ عَنْ ذِكْرِ عُثْمَانَ أَوْ لَأَسْبِنَنَّ عَلِيًّا ع.

مشابه همين روايات در كافي:

٣٠٥- عَنْهُ عَنِ صَالِحٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ كَرَامٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْوَرَعِ فَقَالَ رَجَسٌ وَ هُوَ مَسْخٌ كُلُّهُ فَإِذَا قَتَلْتَهُ فَاعْتَسَلْ فَقَالَ إِنَّ أَبِي كَانَ قَاعِدًا فِي الْحِجْرِ وَ مَعَهُ رَجُلٌ يُحَدِّثُهُ فَإِذَا هُوَ يُوَرِّعُ يُؤَلِّوهُ بِلِسَانِهِ فَقَالَ أَبِي لِلرَّجُلِ أَ تَدْرِي مَا يَقُولُ هَذَا الْوَرَعُ قَالَ لَا عِلْمَ لِي بِمَا يَقُولُ قَالَ فَإِنَّهُ يَقُولُ وَ اللَّهُ لَئِنْ ذَكَرْتُمْ عُثْمَانَ بِشَيْمَةٍ لَأَسْتَمِنَنَّ عَلِيًّا حَتَّى يَقُومَ مِنْ هَاهُنَا.^{٩٨}

و نیز در اختصاص مشابه همين روايت:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنِ كَرَامِ بْنِ عَمْرٍو الْخَنْعَمِيِّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَرَعِ قَالَ هُوَ الرَّجَسُ وَ هُوَ مَسْخٌ فَإِذَا قَتَلْتَهُ فَاعْتَسَلْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَبِي كَانَ قَاعِدًا فِي الْحِجْرِ وَ مَعَهُ رَجُلٌ يُحَدِّثُهُ فَإِذَا هُوَ يُوَرِّعُ يُؤَلِّوهُ بِلِسَانِهِ فَقَالَ أَبِي لِلرَّجُلِ أَ تَدْرِي مَا يَقُولُ هَذَا الْوَرَعُ فَقَالَ الرَّجُلُ لَا عِلْمَ لِي بِمَا يَقُولُ قَالَ فَإِنَّهُ يَقُولُ وَ اللَّهُ لَئِنْ ذَكَرْتَ عُثْمَانَ لَأَسْبِنَنَّ عَلِيًّا حَتَّى يَقُومَ مِنْ هَاهُنَا.^{٩٩}

مسخ ملكوتي بودن يا نبودن جاموس

١١٥ عن أيوب بن نوح بن دراج قال سألت أبا الحسن الثالث ع عن الجاموس و أعلمته أن أهل العراق يقولون إنه مسخ، فقال: أ و ما سمعت قول الله «و مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ»^{١٠٠}

١٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عِ سَأَلَهُ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الرَّجَاجِ قَالَ فَلَمَّا نَفَذَ كِتَابِي إِلَيْهِ تَفَكَّرْتُ وَ قُلْتُ هُوَ مِمَّا أَنْبَتِ الْأَرْضُ وَ مَا كَانَ لِي أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْهُ قَالَ فَكَتَبَ إِلَيَّ لَا تُصَلِّ عَلَى الرَّجَاجِ وَ إِنْ حَدَّثْتِكَ نَفْسُكَ أَنَّهُ مِمَّا أَنْبَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّهُ مِنَ الْمِلْحِ وَ الرَّمْلِ وَ هُمَا مَمْسُوحَانِ.^{١٠١}

١٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ عَلِيِّ بْنِ عَقَبَةَ عَنِ مُوسَى بْنِ أَكْبَلِ التَّمِيمِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفَرِ وَ مَعَهُ السَّكِينُ فِي خُفِّهِ لَا يَسْتَغْنِي عَنْهَا أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مَشْدُودًا وَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ الصَّبِيغَةَ أَوْ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةَ فِيهَا حَدِيدٌ قَالَ لَا بَأْسَ بِالسَّكِينِ وَ الْمِنْطَقَةَ لِلْمَسَافِرِ فِي وَقْتِ ضَرُورَةٍ وَ كَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ يَخَافُ عَلَيْهِ أَوْ فِي النَّسِيَانِ وَ لَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَ كَذَلِكَ آلَةُ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَ فِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوحٌ.^{١٠٢}

مسخ ملكوتي در جنينان به همراه تغيير ظاهر

فَقَالَ لَهَا الْحَسَنُ: تَاللَّهِ لَقَدْ أَخْبَرَكَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) أَنَّكَ تَمُوتِينَ بِالِدَاءِ وَ الدُّبَيْلَةِ فَقَالَتْ يَا حَسَنُ مَتَى قَالَ هَذَا قَالَ أَخْبَرَكَ بَعْدَ لَوْمِكِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ نَسَائِكَ حَرَمًا تَجْرِبِينَ فِيهِ عَن بَيْتِكَ مُتَأَمِّرَةً عَلَى جَمَلٍ أَحْمَرٍ مَمْسُوحٍ مِنْ مَرَدَةِ الْجِنَّ يُقَالُ لَهُ عَسْكَرٌ تَسْفِكِينَ دَمَ خُمْسَةٍ وَ عَشْرِينَ أَلْفًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّكَ أُمُّهُمْ قَالَتْ لَهُ، جَدُّكَ أَخْبَرَكَ بِذَلِكَ أَمْ هَذَا مِنْ غَيْبِكَ قَالَ هَذَا مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَ عِلْمِ رَسُولِهِ وَ عِلْمِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَعْرَضَتْ عَنْهُ بِوَجْهِهَا وَ قَالَتْ بِنَفْسِهَا وَ اللَّهُ لَا تَصَدَّقَنَّ بِأَرْبَعِينَ دِينَارًا وَ نَهَضَتْ فَقَالَ لَهَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَ اللَّهُ لَوْ تَصَدَّقْتَ بِأَرْبَعِينَ فِقْطَارًا مَا كَانَ ثَوَابُكَ إِلَّا النَّارَ...^{١٠٣}

^{٩٦} الهداية الكبرى / ١٣٥ / الباب الثاني باب أمير المؤمنين (عليه السلام)

^{٩٧} بصائر الدرجات، ج ١، ص ٣٥٣ و ٣٥٤.

^{٩٨} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٨ ص ٢٣٢ حديث القباب ص: ٢٣١

^{٩٩} الإختصاص النص ٣٠١ معرفة الأئمة ع جميع اللغات و منطق الطير و سائر الحيوانات ص: ٢٨٩

^{١٠٠} تفسير العياشي ج ١ ص ٣٨٠ [سورة الأنعام(٦): الآيات ١٤٣ الى ١٤٤] ص: ٣٨٠

^{١٠١} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٣ ص ٣٣٢ باب ما يسجد عليه و ما يكره ص: ٣٣٠

^{١٠٢} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٣ ص ٤٠٠ باب اللباس الذي تكره الصلاة فيه و ما لا تكره ص: ٣٩٧

^{١٠٣} الهداية الكبرى ١٩٨ الباب الرابع باب الامام الحسن المجتبي (عليه السلام)

تبدیل شدن به سگ یا امور دیگر با تصرف امام معصوم در تناسخ ملکوتی

وَ فِي حَدِيثِ الطَّرْمَاحِ بْنِ عَدِيٍّ وَ صَعَصَعَةَ بْنِ صُوحَانَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِ آخَتَصَمَّ إِلَيْهِ خَصْمَانِ فَحَكَمَ لِأَحَدِهِمَا عَلَى الْآخَرِ فَقَالَ الْمُحَكَّمُ عَلَيْهِ مَا حَكَمْتَ بِالسَّوِيَّةِ وَ لَا عَدَلْتَ فِي الرَّعِيَّةِ وَ لَا قَضَيْتَكَ عِنْدَ اللَّهِ بِالْمَرْصِيَّةِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ أَحْسَبُ يَا كَلْبُ وَ كَانَ فِي الْحَالِ يَعْوي. ١١٤

فقام إليه رجل من أقاصي القوم وكان من كندة يقال له هلال بن نوفل الكندي، وقال: يا ابن أبي طالب، إن هذا العراق ليس يحمل خرافات الحجاز، وأهل الكوفة أهل فقه وعبادة ورحمة وإشارة، عرب فصيح ذو أمين كالجح. فقال أمير المؤمنين: أيها الغافل الأحمق الجاهل، هب إلى سقر. [ف] والله ما تمّ كلامه صلى الله عليه حتى هبّ وهو على تلك الحال حتى تشققت أثوابه عن جسده وخرج من ثيابه طائر في صورة الغراب الأبقع وسقط على شرف المسجد والناس ينظرون إليه متعجبين متحيرين فيه، فقامت قبيلة كندة أجمع على أقدامهم ونادت: يا معشر العرب، قد قدم عليكم ساحر الحجاز وكاهن العراق فاحذروا على أنفسكم فقد ترون ما فعل بصاحبنا؛ هذا اليوم علينا، وغدا عليكم، فاضطرب الجامع بمن فيه وكثر الضجيج، وتنادت العرب كل قبيلة باسمهم وأمير المؤمنين في خطبته لا يلتفت إليهم. ١١٥

وَ لَمَّا قَالَ أَلَا وَ إِنِّي أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنُ عَمِّهِ وَ وَارِثُ عِلْمِهِ وَ مَعْدُنُ سِرِّهِ وَ عَيْبَةُ ذُرِّهِ مَا يَقُوتُنِي مَا عَمِلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ لَا مَا طَلَبَ وَ لَا يَعْزُبُ عَلَيَّ مَا دَبَّ وَ دَرَجَ وَ مَا هَبَطَ وَ مَا عَرَجَ وَ مَا غَسَقَ وَ انْفَرَجَ كُلُّ ذَلِكَ مَشْرُوحٌ لِمَنْ سَأَلَ مَكْشُوفٌ لِمَنْ وَعَى قَالَ هَلَالَ بْنُ نُوْفَلٍ الْكِنْدِيُّ فِي ذَلِكَ وَ تَعَمَّقَ إِلَى أَنْ قَالَ فَكُنْ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ بِحَيْثُ الْحَقَائِقِ وَ اخْذُ حُلُولَ الْبَوَائِقِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ هَبْ إِلَى سَقَرٍ فَوَ اللَّهُ مَا تَمَّ كَلَامُهُ حَتَّى صَارَ فِي صُورَةِ الْغُرَابِ الْأَبْقَعِ يَعْنِي الْأَكْبَرِ ص. ١١٦

فَقَالَ لِي مَا لَكَ عَلَيَّكَ لَعْنَةُ اللَّهِ تَلْعَنُ عَلِيًّا وَ عَلِيٌّ مِنِّي وَ تَشْتَمُّ عَلِيًّا وَ عَلِيٌّ مِنِّي فَرَأَيْتَهُ كَأَنَّهُ تَغَلَّ فِي وَجْهِهِ وَ صَرَبَيْهِ بِرَجْلِهِ وَ قَالَ فَمُ غَيْرَ اللَّهِ مَا بِكَ مِنْ نِعْمَةٍ فَانْتَبَهْتُ مِنْ نَوْمِي فَإِذَا رَأْسِي رَأْسُ خِنْزِيرٍ وَ وَجْهِهِ وَجْهُ خِنْزِيرٍ ثُمَّ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أ هَذَا الْهَيْدَانِ فِي يَدِكَ ١١٧

فقال: ما لك [إن كنت كاذبا] فلا أخرجك الله من الدنيا حتى يشوه خلقك فيكون شهرة في الدنيا قبل الآخرة. فبت معافا، فأصبحت فإذا وجهي وجه كلب، فندمت على ما كان مني، فتبت إلى الله ممّا كنت عليه، وأسأل الله الإقالة والمغفرة. قال الأعمش: فبقيت متحيرا متفكرا فيه وفي كلامه، وكنت أحدث الناس بما رأيته، وكان المصدق أقل من المكذب. ١١٨

وَ حَدَّثَنَا أَنَّهُ رَأَى فِي مَنَامِهِ كَأَنَّهُ خَارِجٌ مِنْ دَارِهِ يُرِيدُ بَعْضَ مُتَنَزَّهَاتِهِ فَرَفَعَ إِلَيْهِ رَجُلٌ قِصَّتَهُ وَ رَأْسُهُ رَأْسُ الْكَلْبِ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ لَهُ هَذَا الرَّجُلُ كَانَ يُحَطِّطُ عَلَيَّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ ع. ١١٩

مَا زُورِي عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كُنَّا نَمَشِي خُلْفَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ مَعَنَا رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عِ قَدْ قَتَلْتَ الرَّجَالَ وَ أَيْتَمَّتِ الْأَوْلَادُ وَ فَعَلْتَ وَ فَعَلْتَ. فَالْتَمَّتْ إِلَيْهِ عِ فَقَالَ لَهُ أَحْسَبُ فَإِذَا هُوَ كَلْبٌ أَسْوَدٌ فَجَعَلَ يَلُودُ بِهِ وَ يُصْبِصُ فَرَأَيْتَاهُ يَرْحَمُهُ فَحَرَكَ سَفْتِنِيهِ فَإِذَا هُوَ رَجُلٌ كَمَا كَانَ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ يَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ تَقْدُرُ عَلَى مِثْلِ هَذَا وَ يَنَاطِيكَ مُعَاوِيَةُ فَقَالَ نَحْنُ عِبَادٌ لِلَّهِ مُكْرَمُونَ لَا نَسْبِقُهُ بِالْقَوْلِ وَ نَحْنُ بِأَمْرِهِ عَامِلُونَ ١٢٠

مسخ برخی از اعضای بدن

وَ قَدْرَكَ مَنَازِلَ وَ جَعَلَكَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ يَا عَلِيُّ إِذَا نَظَرْتَ فِي مِرَاةٍ فَكَبِّرْ ثَلَاثًا وَ قُلِ اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي يَا عَلِيُّ إِذَا هَالَكَ أَمْرٌ فَقُلِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا فَرَجْتَ عَنِّي قَالَ عَلِيُّ عِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَتَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ مَا هَذِهِ الْكَلِمَاتُ قَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَهْبَطَ آدَمَ بِالْهِنْدِ وَ أَهْبَطَ حَوَاءَ بِجَدَّةَ وَ الْحَيَّةَ بِأَصْبَهَانَ وَ إِبْلِيسَ بِمِيسَانَ وَ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَيَّةِ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنْ الْحَيَّةِ وَ الطَّائُوسِ وَ كَانَ لِلْحَيَّةِ قَوَائِمُ كَقَوَائِمِ الْبَعِيرِ فَدَخَلَ إِبْلِيسُ جَوْفَهَا فَغَرَّ آدَمَ وَ خَدَعَهُ فَغَضِبَ اللَّهُ عَلَى الْحَيَّةِ وَ أَلْقَى عَنْهَا قَوَائِمَهَا وَ قَالَ جَعَلْتُ رِزْقَكَ التُّرَابَ وَ جَعَلْتُكَ تَمْشِي عَلَى بَطْنِكَ لَا رَحِمَ اللَّهُ مَنْ رَحِمَكَ وَ غَضِبَ عَلَى الطَّائُوسِ لِأَنَّهُ كَانَ دَلَّ إِبْلِيسَ عَلَى الشَّجَرَةِ فَمَسَخَ مِنْهُ صَوْتَهُ وَ رَجَلَيْهِ فَمَكَتْ آدَمَ بِالْهِنْدِ مِائَةَ سَنَةٍ لَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَاضِعًا يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ يَبْكِي عَلَى خَطِيئَتِهِ فَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ جَبْرَائِيلَ فَقَالَ يَا آدَمُ الرَّبُّ عَزَّ وَ جَلَّ يُقْرُئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ يَا آدَمُ أَلَمْ أَخْلُقْكَ بِيَدِي أَلَمْ أَنْفُخْ فِيكَ مِنْ رُوحِي أَلَمْ أُسْجِدْ لَكَ مَلَائِكَتِي أَلَمْ أَرُؤْجِكَ حَوَاءَ أَمْتِي أَلَمْ أُسْكِنِكَ جَنَّتِي فَمَا هَذَا الْبُكَاءُ يَا آدَمُ تَتَكَلَّمُ بِهِذِهِ الْكَلِمَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ قَابِلٌ تَوْبَتِكَ قُلْ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. ١٢١

این روایت از مسخ ظاهر دست و صوت طاووس میکند که از حالت خویش تغییر کرده است و دلالت واضحی بر مسخ روح آن ندارد و آنچه مسلمانان از این روایت برداشت میشود، تغییر بدن است و بس. اما اگر مراد از مسخ در اینجا تغییر نفس به تبع آن تغییر صوت و پای طاووس باشد، از مصادیق تناسخ ملکوتی است و الا در حالت اول ربطی به مباحث این مقاله ندارد.

همچنین مجموعه روایات بیش از این مقدار است ولی در کتب حدیثی مهم، همینها بود که عرض شد.

اما به صورت کلی به مجموعه روایات باب «تناسخ ملکوتی به همراه تغییر ظاهر بدن» یک اشکال قابل طرح است و آن اینکه در بسیاری از این روایات ممکن است حقیقت ملکوتی این افراد بسیار بدتر از چیزی باشد که عقوبت دنیایی آنها به آن تعلق گرفته است. یعنی مثلا در واقع ممکن است بسیار قیقتشان زشتتر از سوسمار باشد ولی خداوند به این سوسمار اکتفا کرده باشد. یا مثلا غالب امت حقیقتشان سوسمار شده است و برخی بدتر بودند ولی خداوند کل امت را به شکل سوسمار در آورده است.

١١٤ مناقب ابن شهر آشوب، ج ٢، ص ٢٨١.

١١٥ المناقب للعلوی، ص ٦٢.

١١٦ مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) / ج ٢ / ٢٨١ / فصل في إجابة دعواته ص : ٢٧٩

١١٧ الامالي (للصدوق)، النص، ص: ٤٤٠ و ٤٤١.

١١٨ نوار المعجزات في مناقب الأئمة الهداة عليهم السلام ١٥٠ [خبر عاقبة الناصبي الساب لأمير المؤمنين عليه السلام] ص : ١٤٨ و نیز: رواه الحسين بن عبد الوهاب في عيون المعجزات: ٣٩-٤٠

بنفس السند، و عنه في بحار الأنوار ٤١: ٢٢٢-٢٢٣ / ٣٤.

١١٩ الخرائج والجرائح، ج ١، ص: ٢٢١ و ٢٢٢.

١٢٠ الخرائج والجرائح ج ١ ٢١٩ الباب الثاني في معجزات أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ع ص : ١٧١

١٢١ تحف العقول النص ١١ وصية أخرى إلى أمير المؤمنين ع مختصرة ص : ١٠

اما برای تناسخ ملكوتي که صرفا باطن را تغییر میدهد و نه ظاهر بدن مادی را، مجموعه روایاتی قابل ذکر است که بیانگر آثار اعمال انسان هستند و تجلی عمل اخروی را نشان میدهند. همچنین روایاتی که انمه باطن این دنیا را به افرادی نشان داده اند نیز، در این قسمت قابل استفاده هستند. به چند نمونه توجه کنید.

قَالَتْ فَقَالَ الْحُسَيْنُ أَوْ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ بَرَةَ [بَرَّةَ] عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرَةَ [بَرَّةَ] بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا فَضَلْنَا عَلَى مَنْ خَالَفَنَا فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَرَى الرَّجُلَ مِنْهُمْ مَنْ هُوَ أَزْحَى بِالْأَئِمَّةِ وَأَحْسَنُ حَالًا قَالَ فَسَكَتَ عَنِّي حَتَّى إِذَا كُنْتُ بِالْأَبْطَحِ أَبْطَحَ مَكَّةَ وَرَأَيْتُ النَّاسَ يَضْجُونَ إِلَى اللَّهِ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَالْعَجِيجَ وَأَقْلَّ الْحَجِيجَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا ص بِالنَّبِئَةِ وَعَجَّلَ رُوحَهُ إِلَى الْجَنَّةِ مَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنْكَ وَمِنْ أَشْبَاهِكَ خَاصَّةً وَمَسَحَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ وَقَالَ يَا أَبَا بصيرٍ انظُرْ قَالَ فَإِذَا أَنَا بِالْخَلْقِ كَلْبٌ وَخِنْزِيرٌ وَحِمَارٌ إِلَّا رَجُلٌ بَعْدَ رَجُلٍ. ^{١١٢}

مشابه همین روایت از خرائج و جرائح به سندی دیگر از صفار: وَعَنْ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بَرَّةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ مَا فَضَلْنَا عَلَى مَنْ خَالَفَنَا فَوَاللَّهِ إِنِّي أَرَى الرَّجُلَ مِنْهُمْ أَزْحَى بِالْأَئِمَّةِ وَأَحْسَنُ حَالًا وَأَطْمَعُ فِي الْجَنَّةِ قَالَ فَسَكَتَ عَنِّي حَتَّى كُنَّا بِالْأَبْطَحِ مِنْ مَكَّةَ وَرَأَيْنَا النَّاسَ يَضْجُونَ إِلَى اللَّهِ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ قُلْتُ أَسْمَعُ ضَجِيجَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ قَالَ مَا أَكْثَرَ الضَّجِيجَ وَالْعَجِيجَ وَأَقْلَّ الْحَجِيجَ وَالَّذِي بَعَثَ بِالنَّبِئَةِ مُحَمَّدًا وَعَجَّلَ بِرُوحِهِ إِلَى الْجَنَّةِ مَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ إِلَّا مِنْكَ وَمِنْ أَصْحَابِكَ خَاصَّةً قَالَ ثُمَّ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى وَجْهِهِ فَظَنَرْتُ فَإِذَا أَكْثَرَ النَّاسِ خَنْزِيرٌ وَحَمِيرٌ وَفَرْدَةٌ إِلَّا رَجُلٌ بَعْدَ رَجُلٍ. ^{١١٣}

همچنین این روایات:

بِهِ ابْنُ مَرْجَانَةَ وَتَشَامُّ بِهِ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَمَنْ صَامَهُمَا أَوْ تَبَرَّكَ بِهِمَا لَقِيَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَمْسُوحَ الْقَلْبِ وَكَانَ حَشْرُهُ مَعَ الَّذِينَ سَنُوا صَوْمَهُمَا وَالتَّبَرُّكَ بِهِمَا. ^{١١٤}

٧- وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَانَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ صَوْمِ تَاسُوعَاءَ وَعَاشُورَاءَ مِنْ شَهْرِ الْمُحَرَّمِ فَقَالَ تَاسُوعَاءَ يَوْمَ حُوصِرَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَ وَأَصْحَابُهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ بِكَرْبَلَاءَ وَاجْتَمَعَ عَلَيْهِ خَيْلُ أَهْلِ الشَّامِ وَأَنَاخُوا عَلَيْهِ وَفَرِحَ ابْنُ مَرْجَانَةَ وَعُمَرُ بْنُ سَعْدٍ بِتَوَافُرِ الْحَيْلِ وَكَثْرَتِهَا وَاسْتَضَعَفُوا فِيهِ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَأَصْحَابَهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَاتَّقَيْنَا أَنْ لَا يَأْتِيَ الْحُسَيْنَ عَ نَاصِرٌ وَلَا يَمُدَّهُ أَهْلُ الْعِرَاقِ بِأَيِّ الْمُسْتَضْعَفِ الْغَرِيبِ ثُمَّ قَالَ وَآمَّا يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَيَوْمَ أُصِيبَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَ صَرِيحًا بَيْنَ أَصْحَابِهِ وَأَصْحَابِهِ صَرَعَى حَوْلَهُ عِرَاءٌ أَفْصَوْمٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ كَلًّا وَرَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ مَا هُوَ يَوْمٌ صَوْمٌ وَمَا هُوَ إِلَّا يَوْمٌ حُزْنٍ وَ مُصِيبَةٍ دَخَلَتْ عَلَى أَهْلِ السَّمَاءِ وَأَهْلِ الْأَرْضِ وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَوْمَ فَرِحَ سُرُورٍ - لِابْنِ مَرْجَانَةَ وَ آلِ زِيَادٍ وَأَهْلِ الشَّامِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَعَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ بَكَتْ عَلَيْهِ جَمِيعُ بَقَاعِ الْأَرْضِ خَلَا بُعْعَةَ الشَّامِ فَمَنْ صَامَهُ أَوْ تَبَرَّكَ بِهِ حَشْرُهُ اللَّهُ مَعَ آلِ زِيَادٍ مَمْسُوحَ الْقَلْبِ مَسْخُوطَ عَلَيْهِ وَمَنْ ادَّخَرَ إِلَى مَنْزِلِهِ ذَخِيرَةً أَعْقَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى نِفَاقًا فِي قَلْبِهِ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ وَ انْتَرَعَ الْبَرَكَةَ عَنْهُ وَعَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَوَلَدِهِ وَ شَارَكَ الشَّيْطَانَ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ. ^{١١٥}

حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ عَ يَقُولُ يُحَشِّرُ الْمُكْذِبُونَ بِقَدْرِ اللَّهِ مِنْ قُبُورِهِمْ قَدْ مَسَّحُوا قِرْدَةً وَ خَنْزِيرًا. ^{١١٦}

از این روایت چنین میفهمیم که اینها در همین زمان قردة و خنازیر هستند و در قیامت با حقیقت خودشان محشور میشوند.

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ بَطَّةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ يَرْفَعُهُ إِلَى زُرَّارَةَ بْنِ أَوْفَى قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَ فَقَالَ يَا زُرَّارَةَ النَّاسُ فِي زَمَانِنَا عَلَى سِتِّ طَبَقَاتٍ أَسَدٍ وَ ذَنْبٍ وَ تَعْلَبٍ وَ كَلْبٍ وَ خِنْزِيرٍ وَ شَاةٍ فَأَمَّا الْأَسَدُ فَمُلُوكُ الدُّنْيَا يَحِبُّ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَنْ يَغْلِبَ وَ لَا يَغْلِبَ وَ أَمَّا الذَّنْبُ فَتَجَارِكُمْ يَدْمُونَ إِذَا اشْتَرَوْا وَ يَمْدَحُونَ إِذَا بَاعُوا وَ أَمَّا التَّعْلَبُ فَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ بِأَذْيَانِهِمْ وَ لَا يَكُونُ فِي قُلُوبِهِمْ مَا يَصِفُونَ بِالسِّيئَةِ وَ أَمَّا الْكَلْبُ يَهْرُ عَلَى النَّاسِ بِلِسَانِهِ وَ يَكْرِمُهُ النَّاسُ مِنْ شَرِّ لِسَانِهِ وَ أَمَّا الْخِنْزِيرُ فَهَؤُلَاءِ الْمُخْتَلُونَ وَ أَشْبَاهُهُمْ لَا يَدْعُونَ إِلَى فَاحِشَةٍ إِلَّا أَجَابُوا وَ أَمَّا الشَّاةُ فَالْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ تُحْزِرُ شُعُورُهُمْ وَ يُؤْكَلُ لِحُومُهُمْ وَ يُكْسَرُ عَظْمُهُمْ فَكَيْفَ تَصْنَعُ الشَّاةُ بَيْنَ أَسَدٍ وَ ذَنْبٍ وَ تَعْلَبٍ وَ كَلْبٍ وَ خِنْزِيرٍ. ^{١١٧}

عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عُرْوَةَ السَّلْمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. ^{١١٨} به این صورت که اگر نیت امری پلید باشد به همان صورت پلید محشور میشوند.

وَ عَنْ مَعَاذِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَ قَالَ يَا مَعَاذُ سَأَلْتُ عَنْ أَمْرِ عَظِيمٍ مِنَ الْأُمُورِ ثُمَّ أُرْسِلَ عَيْتِيهِ وَقَالَ يُحْشَرُ عَشْرَةَ أَصْنَافٍ مِنْ أُمَّتِي بَعْضُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقِرْدَةِ وَ بَعْضُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْخِنْزِيرِ وَ بَعْضُهُمْ عَلَى وَجْهِهِمْ مَنكَسُونَ أَرْجُلُهُمْ فَوْقَ رُءُوسِهِمْ يُسْحَبُونَ عَلَيْهِا وَ بَعْضُهُمْ عُمِيًا [عُمِيًا] وَ بَعْضُهُمْ صَمًا [صَمًا] وَ بَعْضُهُمْ [بِكَمًا] وَ بَعْضُهُمْ يَمْضَعُونَ أَلْسِنَتَهُمْ فِيهَا [مَدْلَأَةً] عَلَى صُدُورِهِمْ يَسِيلُ الْفَيْحُ يَتَقَدَّرُهُمْ أَهْلُ الْجَمْعِ وَ بَعْضُهُمْ مُصَلَّبُونَ عَلَى جُدُوعٍ مِنَ النَّارِ وَ بَعْضُهُمْ أَشَدُّ تَنَنًا مِنَ الْحَيْفَةِ وَ بَعْضُهُمْ مُلْبَسُونَ جِنَابًا سَانِعَةً مِنْ قَطْرَانٍ لِأَرْقَةِ بَجُلُودِهِمْ وَ أَمَّا الَّذِينَ عَلَى صُورَةِ الْقِرْدَةِ فَالْقَتَابُ مِنَ النَّاسِ وَ أَمَّا الَّذِينَ عَلَى صُورَةِ الْخَنْزِيرِ فَأَهْلُ السُّحْتِ وَ أَمَّا الْمُنكَسُونَ عَلَى وَجْهِهِمْ فَالْكَلَّةُ الرُّبَا وَ أَمَّا الْعُمِيَّةُ فَالَّذِينَ يَجُورُونَ فِي الْحُكْمِ وَ أَمَّا الصَّمُّ وَ الْبِكْمُ فَالْمُعْجَبُونَ

^{١١٢} بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ج ١ ص ٢٧١ ٣ باب في الأئمة ع أنهم يحيون الموتى و يبرءون الأكمه و الأبرص بإذن الله ص : ٢٦٩

^{١١٣} الخرائج و الجرائح ج ٢ ص ٨٢١ فصل في أغرب معجزات الإمام الباقر و الصادق ع ص : ٨٢١

^{١١٤} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٤ ص ١٤٧ باب صوم عرفة و عاشوراء ص : ١٤٥

^{١١٥} الكافي (ط - الإسلامية) ج ٤ ص ١٤٧ باب صوم عرفة و عاشوراء ص : ١٤٥

^{١١٦} ثواب الأعمال و عقاب الأعمال النص ٢١٢ عقاب القدرية ص : ٢١٢

^{١١٧} الخصال، ج ١، ص: ٣٣٨ و ٣٣٩.

^{١١٨} المحاسن ج ١ ص ٢٦٢ ٣٣ باب النية ص : ٢٦٠ و نیز: الكافي (ط - الإسلامية) ج ٥ ص ٢٠ باب الغزو مع الناس إذا خيف على الإسلام ص : ٢٠ و نیز: مشكاة الأنوار في غرر الأخبار النص

١٤٧ الفصل العاشر في قول الخير و فعله ص : ١٤٤

بِأَعْمَالِهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ قُطِّعَتْ أَيْدِيهِمْ وَأُزْجِلُهُمْ فَهُمْ الَّذِينَ يُوذُونَ الْجِيزَانَ وَأَمَّا الْمُصَلَّبُونَ عَلَى جُدُوعٍ مِنْ نَارٍ فَالسُّعَاءُ بِالنَّاسِ لِسُلْطَانٍ وَأَمَّا الَّذِينَ أَشُدُّ نَسْتًا مِنَ الْجَنِيْفِ فَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَمَنَعُوا حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ يُلْبَسُونَ الْجَبَابِ أَهْلَ الْكِبْرِ وَالْفُجُورِ وَالْبُخْلَاءِ.^{۱۱۹}

که ظاهراً اینها در دنیا به همین صورت بوده اند ولی ظاهر نشده بوده و در قیامت ظاهر شده است. مجموعه روایاتی که چنین تمثالاتی را برای اعمال افراد بیان میکنند، در واقع چنین وضعیتی دارند و مورد قبلی را صرفاً به عنوان یک مورد جامع بیان کردیم.

همچنین مجموعه روایاتی که باطن اعمال را توصیه میکنند به مبحث ما مربوط هستند. مثلاً اگر قرآن میفرماید: * (وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ) * (سوره حجرات، آیه ۱۲) و نیز: * (إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا) * (سوره نساء، آیه ۱۰) و نیز: * (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَتَّعَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقَوْمُ الَّذِي يَخْتَبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ) * (سوره بقره، آیه ۲۷۵)

در واقع باطن اعمال را به حسب ظاهر توضیح میدهد. حال اگر در آیه یا روایتی باطن عملی کالانعام بودن شمرده شده است یا مثلهم کمثل الحمار یحمل اسفارا شمرده شده است یا مثلهم کمثل الکل شمرده شده است، بعید به نظر نمی‌رسد که بتوان اینها را شواهدی بر حقیقت باطنی وجود این فرد دانست، خصوصاً که طبق گزارشات در مواقعی شهود اهل معرفت نیز دقیقاً بر همین شکل بوده است. لذا مجموعه آیات و روایات باطن اعمال هم میتواند شواهدی بر این نوع تناسخ ملکوتی باشد، البته مشروط به اینکه موارد تجسم اعمال، صرفاً ناظر به عمل نباشد بلکه ناظر به حالت ملکوتی عامل نیز باشد. مثلاً اگر صرفاً گفته شود که عامل حالتی دارد که شیطان او را مس می‌کند، نمایانگر تناسخ ملکوتی نیست بلکه اگر گفته شود که مثلاً شیطان او را در حالی که مانند حیوانی است، مس می‌کند، نمایانگر تناسخ ملکوتی خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین، الامالی، چاپ ششم، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶.

----- الخصال، غفاری، علی اکبر، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.

----- عیون اخبار الرضا علیه السلام، لاجوردی، مهدی، چاپ اول، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ق.

----- کمال الدین، اسلامی، تهران، ۱۳۹۵ ق، دوم.

----- معانی الاخبار، غفاری، علی اکبر، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.

ابن سینا، الحسین بن عبدالله ابو علی، الاشارات والتنبیها، چاپ اول، نشر البلاغة، قم، ۱۳۷۵ ش.

-----، الشفاء (الالهیات)، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.

-----، المباحثات، چاپ اول، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۷۱ ش.

ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی، تحف العقول، غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق/۱۳۶۳ ش.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابه القرآن و مختلفه، چاپ اول، دار بیدار للنشر، قم، ۱۳۶۹ ق.

ابن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، چاپ دوم، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۹ ق.

ابن عبد الوهاب، حسین بن عبد الوهاب، عیون المعجزات، مکتبه الداوری، ایران، قم، بی تا.

ابن منظور، لسان العرب، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴، سوم.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محدث، جلال الدین، چاپ دوم، دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق.

بی ناس، جان، تاریخ ادیان.

حمیری، قرب الاسناد، آل البيت، قم، ۱۴۱۳ ق، اول.

خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، البلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

خلیل بن احمد، فراهیدی، العین، هجرت، قم، ۱۴۰۹، دوم.

^{۱۱۹} جامع الأخبار (لشعیری)، ص: ۱۷۷ و ۱۷۸.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، داوودی، صفوان عدنان، چاپ اول، دار القلم-الدار الشامیة، بیروت-دمشق، ۱۴۱۲ق.

سوزنجی، حسین، مقاله معرفی و تاریخچه نظریه تناسخ، رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، بهار ۱۳۷۹، شماره ۴۱، ص ۳۰-۳۶.

سهرودی، یحیی بن حبش شهاب الدین، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، کرین، هانری و نصر، سید حسین و حبیبی، نجفقلی، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ش.

سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومة، حسن زاده آملی، حسن و طالبی، مسعود، چاپ اول، نشر ناب، تهران، ۱۳۶۹-۱۳۷۹ش.

شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چاپ اول، مطبعة حیدریة، نجف، «بی تا».

شلمغانی، الفقه المنسوب الی الرضا علیه السلام، آل البيت، مشهد، ۱۴۰۶ق، اول.

صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الاسفار الاربعة، چاپ سوم، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۱م.

-----، تفسیر القرآن الکریم، چاپ دوم، بیدار، قم، ۱۳۶۱ش.

-----، الشواهد الربوبیة، آشتیانی، سید جلال الدین، چاپ دوم، مرکز الجامعی للنشر، مشهد، ۱۳۶۰ش.

-----، المبدأ و المعاد، آشتیانی، سید جلال، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴.

-----، الاضحویة، عاصمی، حسن، شمس تبریزی، تهران، ۱۳۸۲.

-----، اسرار الآیات، خواجهی، محمد، انجمن حکمت و فلسفه، تهران، ۱۳۶۰.

صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، کوجه باغی، محسن بن عباسعلی، چاپ دوم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، نوادر المعجزات، اسدی، باسم محمد، دلیل ما، ایران، قم، ۱۴۲۷.

عبودیت، عبدالرسول، درآمدی به نظام حکمت صدرایی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۶ش.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، رسولی محلاتی، سید هاشم، چاپ اول، المطبعة العلمیة، تهران، ۱۳۸۰ق.

کاپلستون، تاریخ فلسفه.

علوی، محمد بن علی بن الحسین، مناقب علوی، موسوی بروجردی، حسین، دلیل ما، ایران، قم، ۱۴۲۸، اول.

قطب راوندی، سعید بن هبة الله، خرائج و جرائح، مؤسسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه، قم، ۱۴۰۹، اول.

قمی، علی بن ابراهیم منسوب، تفسیر قمی، دار الكتاب، قم، ۱۴۰۴، سوم.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، چاپ چهارم، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.

محمد بن محمد بن الأشعث، الجعفریات، مکتبة النینوی الحدیثة، تهران، بی تا، اول.

مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، انصاریان، ایران، قم، ۱۳۸۴.

مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الاختصاص، مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، چاپ اول، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ق.

ویل دورانت، تاریخ تمدن.

سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين